هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور هشتم سال ششم شمارهٔ یکم پنجشنبه ۱۸ حمل ۱۳۸۵ ۱۹ ربیع الأول ۱٤۲٦ - April 07, 2007

استاد برهان الدین ربانی در همایش اعلان جبههء ملی:

تشکیل جبههء ملی گامی جدید و تجربه یی نو در حیات ملی و سیاسی کشورماست ص۶

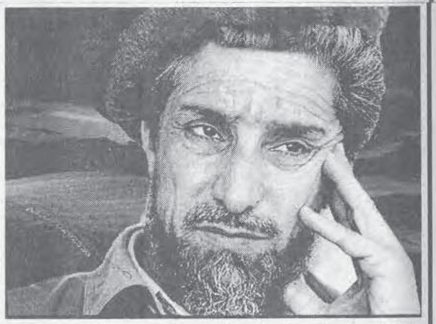




نقش معارف در استقرار صلح و ثبات ص۲

جادهء احمدشاه مسعود در دهلی

در دهلی پایتخت کشور هند جاده یی به نام احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان نام گذاری شد. جادهء احمدشاه مسعود در منطقهء



دیپلماتیک دهلی جدید یکی از مناطق مهم پایتخت هند است. در مراسم نام گذاری این جاده حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان که جهت اشتراک در جلسهء سران کنفرانس کشورهای سارک به دهلی سفر نموده بود سخنرانی نمود. سخنرانان دیگر این مراسم وزیر خارجهء هند و شهردار دهلی بود.

حامد کرزی این اقدام را مورد ستایش قرار داد و احترام به قهرمان ملی افغانستان را احترام به افغانستان خواند. او افزود احمدشاه مسعود شخصیتی است که در جریان دو دهه مبارزات آزادیخواهانهء مردم افغانستان هیچگاه سنگر مبارزه را ترک نکرد و به خارج از افغانستان نرفت. پراناب مکرجی وزیر خارجهء هند در سخنرانی خویش گفت احمد شاه مسعود برای آزادی، رفاه و دموکراسی در کشورش سالیان درازی مبارزه کرد.

در دهلی برخی جاده ها به نام های قهرمانان کشورهای دیگر نام گذاری شده اند. چندی پیش جاده یی در کابل به نام اندراگاندی رهبر هند نام گذاری شد.

یکی از رهبران مسیحی لبنان میشل عون گفته است اگر او به ریاست جمهوری این کشور دست یابد یکی از جاده های مهم شهر بیروت را به نام احمدشاه مسعود نام گذاری خواهد کرد.

این ها نشان می دهد که صیت مبارزات آزادیخواهانهء بسیاری از کشورهای جهان را درپیچیده است و روزی به مثابهء تندیسی از آزادی خواهی و مبارزات آزادی بخش در سراسر گیتی شناخته خواهد شد.

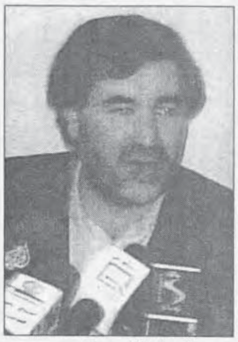
اعلان رسمی فعالیت جبههء ملی افغانستان

روز سه شنبهء گذشته ۱۴ حمل جبههء ملی افغانستان طی یک همایش بزرگ در سالن بال روم هتل انترکانتی نینتال شهر کابل رسماً فعالیت خود را اعلان کرد.

در این همایش استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان رئیس این جبهه ضمن یک سخنرانی به بیان نیازمندی های شرایط و احوال کنونی به تشکیل این جبهه پرداخت و شماری از اهداف آن را توضیح داد (چنان که تمام سخنان ایشان در این شماره آمده است) و پس از ایشان آقای مصطفی ظاهر سخنانی ایراد کرد، او گفت: من افتخار می کنم امروز در مجلسی شرکت کرده ام که در آن برای بردن مردم پس از سی سال جنگ و خون ریزی به سوی روشنایی جمع شده ایم.

وی افزود: ما از همهء عناصری که از دولت افغانستان به دلیلی ناراضی هستند تقاضا می کنیم که با هم دست صلح و برادری بدهند تا کشور خود را آباد بسازند چون خاک این کشور دیگر نمی تواند خون هیچ خواهر و برادری را جذب کند.

سپس توسط رئیس شورای اجرایی جبههء ملی آقای محمد نعیم فراهی اعلام شد که





آقای سید مصطفی کاظمی رئیس حزب اقتدار ملی و سخنگوی جبههء ملی در کنفرانسی به پرسش های خبرنگاران پاسخ می دهد.

ادامه درص۷

د سارک په سر مشریزه کې ګډون

د هیواد لپاره ستره بریا ده

په نوي ډيلي کې د سارك په سرېنی (۱۳۸۶ل) غونډه کې افغاني پلاوي د ولسمشر پر مشری ګډون وکړ او د لومړي خل لپاره دې د دې اتحادي غړيتوب تر لاسه کړ.



ترهګری مساله هم مطرح شوه او غرېو ژمنه وکړه چې خپلمنځي ترانسپورتي اړيکي لاغښتلی کړي.

ولسمشر د حمل پر ۱۵ مه په دې غونډه کې اوږده وينا وکړه او په يوې برخې کې يې وويل: "افغانستان کولای شي چې د مرکزي، جنوبی، شرقی اسيا او منځنی ختيځ ترمنځ د نښلولو يو مهم پل وي" په داسې حال کې پاکستان، هند ته اجازه نه ورکوي، چې مالونه يې افغانستان ته لاړ شي؛ خو ولسمشر بې له دې نه چې د پاکستان نوم واخلي وويل: "چې بايد د خلکو د تللو راتللو او راکړې ورکړې په مخ کې پراته خنډونه دې له منځه لاړ شي"

د سارك اتحاديه په ۱۳۶۴ل د اتو هېوادونو په ګډون جوړه شوی ده چې دايې د سر مشريزې څلورمه غونډه ده. په سرېنی غونډه کې پر اقتصاد ربېره د

د سارك په غونډه د هېواد ۸مخ

آدرس جدید
مجاهد در اینترنت
Website: www.mujahidweekly.com
Email Address: mujahid1357@yahoo.com

مجاهـــد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
صندوق پستی : ۲۲٦
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

جبههء ملی و نیاز زمان

جبههء ملی افغانستان سه شنبه ١٤ حمل در هتل انترکانتی نینتال در شهر کابل اعلان موجودیت کرد. این جبهه از شماری سازمان های سیاسی و شخصیت های ملی تشکیل شده است. گفتگوها و رایزنی هایی که میان این احزاب و شخصیت ها برای ایجاد ساختاری که پاسخگوی شرایط و اوضاع کنونی کشور باشد چندین ماه را در بر گرفت.

فلسفهء وجودی جبههء ملی را اوضاع نا بسامان کنونی افغانستان می سازد، هرچند نیاز به تشکیل جبهه یی این چنین از آغاز دورهء جدید در پنج سال قبل محسوس بود اما ناتوانی ها و ناکامی های دولت در بسیاری از عرصه های بازسازی و دفاع و امنیت و اقتصاد و سیاست خارجی و تأمین مشارکت سیاسی به مفهوم واقعی کلمه و استفادهء بهینه از کمک های جامعهء جهانی باعث به میان آمدن بحران هایی تازه شد و بر مبرم شدن ایجاد ساختاری که بتواند راهکارهایی مؤثر برای این بحران ارائه کند تأکید ورزید.

جبههء ملی در اهداف ۲۹ ماده یی خود چشم اندازها و باورهای خویش را در همهء این زمینه ها به روشنی بیان داشته است. مرجعیت آموزه های اسلامی و تأکید بر هویت اسلامی افغانستان و توجه به اصل آزادی و استقلالیت و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان از باورهای جبههء ملی و تلاش در جهت پارلمانی ساختن نظام و انتخابی کردن والی ها از مجرای قانون و خود کفا کردن دفاع ملی از راه تقویت و تجهیز نهادهای دفاعی و امنیتی کشور و توجه به عدالت و برابری در زمینهء همه برنامه های عملی دولت از مهمات چشم اندازهای این جبهه است.

جبههء ملی می داند که برای یک چنین کاری تنها تلاش های درونی بسنده نیست بلکه زمانی این خواسته ها بر آورده می شود که جامعهء جهانی به گونهء فعال به آن همکاری کند و بهترین شیوهء همکاری جامعهء جهانی در این زمینه تشکیل کنفرانسی بین المللی دربارهء قضایای افغانستان. اما باید توجه داشت که این کنفرانس لغزش ها و اشتباهات کنفرانس های پیشین را تکرار نکند و واقعیت های جامعهء افغانی را ملحوظ دارد.

جبههء ملی در راستای به تحقق رسانیدن آرمان ها و اهداف خود به شیوهء اصلاحگرانه عمل خواهد نمود و همهء برنامه های خود را در روشنی قانون اساسی و قوانین نافذ کشور ارائه خواهد کرد. جبههء ملی در عرصهء امنیت کشور بسیار حساس است و در این زمینه دولت را بی هیچ شرطی یاری خواهد رسانید. اما باور دارد که امنیت و ثبات در افغانستان را نمی توان جدا از مسائل بازسازی و دولتمداری و اقتصاد و فرهنگ مورد توجه قرار داد.

شاید برخی از کسان از سر اخلاص یا غرض ایرادهایی را دربارهء عناصر مؤلفهء این جبهه عنوان کنند، اما کسانی که از درایت و منطق دگرگونی ها در اندیشهء اسلامی بهره مند هستند می دانند که چالش های مرحلهء کنونی از زاویه های گونه گون غیر از چالش های ما در دو دههء پیش است کما این که جبهه بر همه ارزش های همیشگی و ثوابت ما تأکید ورزیده است.

ما باور داریم اگر جبههء ملی بتواند اهداف اعلام شده اش را با متانت و استواری دنبال کند و صادقانه در جهت منافع ملی کشور گام بردارد و توجهی به اتهامات بی پایه و نا اندیشیدهء کسانی در بالا و پایین مقامات دولتی نکند به زودی افق هایی تازه را بر زندگی نا بسامان کنونی خواهد گشود و کشور و نظام را از این حالت خود از درون خوردن نجات خواهد داد.

تشکیل جبههء ملی زمینه یی است که هم دولت و هم جامعهء جهانی را به بازنگری برنامه های شان در قبال اوضاع افغانستان و توجه به نتایج فراز و فرود تجربه های شان در گذشته فرا می خواند.

نقش معارف در استقرار صلح و ثبات

محمد اکرام اندیشمند



تأمین صلح و ثبات در افغانستان از اولویت های مهم حیات فردی و اجتماعی در کشور است. این، یک امر آشکار و بدیهی محسوب می شود که بدون تحقق صلح و آرامش در کشور به هیچ پیشرفت و توسعه یی نمی توان دست یافت. هرتحول و تغییری در مسیر اصلاح و شگوفایی حیات جامعه تنها در فضای صلح و ثبات مجال ظهور و رشد می یابد. حتی اگر توسعه و پیشرفتی در فضای بی ثبات و متشنج رخ دهد، استمرار بی ثباتی آن توسعه را می بلعد. نبود صلح و بی ثباتی نه تنها پدیده های مادی را ویران می کند و از پیشرفت و سازندگی در عرصه های مادی جلوگیری می نماید، بلکه بی ثباتی، بیشتر از هر چیز معنویت را تخریب می کند و تمام زمینه های رشد و توسعهء علم و معنویت از جامعهء درگیر بحران بی ثباتی، رخت می بندد.

افغانستان کشوری است که در سه دههء اخیر از نبود صلح و بی ثباتی رنج می برد. بزرگترین پی آمد منفی، مصیبت بار و هولناک این بی ثباتی درعرصهء فرهنگ، معارف، معنویت و اخلاق اجتماعی قابل مشاهده است. مظاهری مادی که در نتیجهء جنگ و بی ثباتی در کشور تخریب شدند، به آسانی قابل بازسازی و نوسازی اند. ما به آسانی می توانیم ببینیم که به روی ساختمان های مخروبه، ساختمان های بلند تر و زیبا تر از ساختمان های قبلی اعمار شده است. اما نسل متأثر از جنگ و بی ثباتی که زمینه های رشد علم، معرفت، فرهنگ متعالی ومعنویت را از دست دادند و با فرهنگ جنگ و خشونت تربیه گردیدند و بزرگ شدند، دیگر نمی توان آنها را به گذشته برگشتاند تا فرصت ضایع شده برای کسب علم و معنویت را جبران کنند. شوربختانه که در افغانستان، بی ثباتی و جنگ اثرات منفی خود را بر معرفت و معنویت یک نسل نه، بلکه بر فرهنگ و معنویت سه نسل گذاشته است. از این رو شکل گیری، گسترش و استحکام صلح و ثبات در جامعهء جنگ زده و بی ثبات ما به آهستگی پیش می رود و با دشواری ها و پیچیدگی های زیادی رو به رو می شود.

یکی از نکات قابل پرسش و بررسی در شکل گیری و گسترش صلح و ثبات این است که ما چگونه می توانیم از دشواری ها و موانع پر خم و پیچ در این مسیر عبور کنیم؟ چگونه می توانیم به صلح و ثبات واقعی و ریشه داربرسیم؟ چگونه می توانیم تحقق و گسترش صلح و ثبات را در جامعه و کشور خود نهادینه کنیم؟ چگونه می توانیم فرهنگ صلح و ثبات را در جامعه ایجاد نماییم و مردم را با آگاهی به سوی این فرهنگ بکشانیم؟

برخی تحقق صلح و ثبات در کشور را به تقویت نیروهای نظامی و امنیتی پیوند می دهند. بر مبنای این دیدگاه، این نیروهای مقتدر نظامی و امنیتی کشور است که نقش قاطع و اساسی را در سرکوبی دشمنان باغی و جنگجو بازی می کنند و اقتدار و پیروزی نیروهای امنیتی زمینه های صلح و ثبات را مساعد می نماید. برخی به سوی تحقق صلح و ثبات از دریچهء پیشرفت و توسعهء اقتصادی می بینند و بدون چنین رشد و ترقی، تأمین صلح را در کشور غیر ممکن تلقی می کنند. عده یی بازگشت ثبات و صلح را در کشور به قطع عوامل خارجی جنگ سراغ می دارند.

در این تردیدی نیست که تمام این دیدگاه ها و باور ها گوشه های از عوامل و زمینه های صلح و ثبات را در کشوربازگو می نماید؛ اما این ها، تمام عوامل و زمینه های تحقق صلح و ثبات در افغانستان محسوب نمی شوند. به ویژه، حتی مجموع این ها متضمن صلح مطمئن و پایدار در جامعهء جنگ زده و بی ثبات ما نمی تواند باشد.

صلح و ثبات تنها غیابت و نبود جنگ نیست که با تقویت نیروهای نظامی و امنیتی، جنگجویان را مغلوب بسازند و آنها را سرکوب کنند تا به روی اجساد شان منارهای صلح و ثبات بر پا شود و تمام عوامل و زمینه های صلح و ثبات در کشور مهیا گردد. تأمین و تحقق صلح پایدار و مطمئن با قطع عوامل خارجی جنگ نیز میسر نمی شود. و حتی توسعه و پیشرفت اقتصادی هم، پایداری و نهادینه شدن صلح و ثبات را در جامعه نمی تواند تضمین کند. در حالی که پیشرفت اقتصادی بدون تأمین صلح و ثبات نا محتمل می باشد.

اکنون در سال نو خورشیدی ۱۳۸۶ وقت آن فرا رسیده است که نقش و جایگاه معارف در سرنوشت امروز و آیندهء کشور مورد عنایت تمام نهاد های دولت اعم از پارلمان و حکومت قرار بگیرد و به سوی معارف به عنوان سرچشمهء اصلی صلح و ثبات پایدار و به عنوان دروازهء پیشرفت و تمدن در افغانستان نگاه شود

صلح و ثبات با علم، آگاهی، معنویت، عدالت، آزادی، دموکراسی، قانونیت، نظم و اخلاق اجتماعی، تعمیم فرهنگ متعالی و تقویت ارزش های دینی و ملی و با رشد و استحکام بنیاد های مدنی پیوند نا گسستنی دارد. این پدیده ها را نمی توان از طریق تقویت نیروهای امنیتی و نظامی و پیروزی آنها در جنگ بر جنگجویان طالب و القاعده به دست آورد. قطع دخالت خارجی به عنوان یکی از عوامل بی ثباتی و جنگ نیز به تقویت و گسترش این پدیده ها و مؤلفه های اساسی صلح و ثبات در کشور نمی انجامد. شاید اثبات این امر که تنها دسترسی و دستیابی به پدیده ها و زمینه های گفته شده به عنوان مؤلفه های ریشه یی و اساسی صلح و ثبات از طریق رشد و توسعهء معارف میسر است، به استدلال بیشتر نیازی نداشته باشد. تا زمانی که صلح و ثبات در کشور ما نهادینه نشود، تا وقتی که فرهنگ صلح و ثبات در جامعه گسترش نیابد و تا زمانی که مردم، نیاز به صلح و ثبات را با آگاهی نپذیرند، ما در جامعه و کشور خود به صلح و ثبات مطمئن و پایدار نمی رسیم.

راه رشد و گسترش فرهنگ صلح و ثبات تنها از دروازهء معارف عبور می کند. این معارف است که تمام مقوله ها و مفاهیم گفته شده را به عنوان مؤلفه های صلح و ثبات در جامعه و کشور به ساکنان و باشندگان آن می آموزاند. وقتی می گوییم صلح و ثبات در افغانستان به قانونیت، به آموزش علم، به تعمیم فرهنگ و اخلاق اجتماعی، به ترک و محو فرهنگ خشونت، عناد، عقده وخصومت، به تقویت ارزش های دینی و ملی، به رشد و توسعهء بنیاد های مدنی، به آگاهی و پابندی در مورد عدالت، آزادی و دموکراسی نیاز دارد، تمام این ها را در معارف می توان آموخت.

روند و جریان تأمین و استقرار صلح و ثبات پایدار و مطمئن در کشور یک روند طولانی و دراز مدت است. فرهنگ صلح و ثبات را نمی توان یک شبه در جامعه ایجاد کرد و آن را جایگزین فرهنگ جنگ و خشونت ساخت. اگر بسیاری از اعضای سه نسل جامعهء ما در سه دهه جنگ و بی ثباتی از فرهنگ جنگ و خشونت متأثر شدند، تعلیم و تربیت نسل امروز و نوجوان ما با فرهنگ صلح و ثبات از طریق معارف کشور یک پروسهء زمان بر است. اما نکته یی مهم و قابل توجه در این روند، و راز موفقیت ایجاد فرهنگ صلح و ثبات پایدار، ریشه در تقویت معارف به عنوان یگانه عامل و سرچشمهء اصلی این فرهنگ دارد.

وزارت معارف در افغانستان جنگ زده و بی ثبات از اصلی ترین و بزرگترین وزارت های کشور محسوب می شود که شکل گیری جامعهء فردا و سرنوشت آتیهء کشور و مردم ما بستگی به رشد و تقویت معارف دارد. اما با تأسف که هنوز تصویر روشن و شفافی از نقش و اهمیت معارف در نهاد های مختلف دولت وجود ندارد. پارلمان افغانستان به عنوان نهاد اصلی قانونگذار و ممثل ارادهء مردم هیچگونه توجه جدی و اختصاصی به معارف کشور ندارد. پارلمان منحیث نمایندهء مردم و مرجع قانونگذار برای رهبری و مدیریت کشور، موانع و دشواری های معارف افغانستان را مورد بحث و ارزیابی قرار نداده است. در حالی که ده ها مکتب به روی اولاد مردم و کشور ما در مناطق بی ثبات افغانستان در طول سال ۱۳۸۵ خورشیدی از سوی طالبان بسته شد و ده ها نفر از معلمان و کارمندان معارف در این مناطق به قتل رسیدند، اما پارلمان هیچگاه به صورت جدی وضعیت خطیر معارف را در کشوربه بحث و بررسی نگرفت. و درحالی که نیمی از روزهای نخستین ماه سال تعلیمی در افغانستان سپری گردید، اما هنوز پارلمان بودجهء معارف در این سال را مورد تصویب و تأیید قرار نداده است.

اکنون در سال نو خورشیدی ۱۳۸۶ وقت آن فرا رسیده است که نقش و جایگاه معارف در سرنوشت امروز و آیندهء کشور مورد عنایت تمام نهاد های دولت اعم از پارلمان و حکومت قرار بگیرد و به سوی معارف به عنوان سرچشمهء اصلی صلح و ثبات پایدار و به عنوان دروازهء پیشرفت و تمدن در افغانستان نگاه شود.

به منظورایجاد زمینه های بهتر رشد و توسعهء معارف و ایجاد همسویی مشترک در تمام نهاد های دولت و حتی همسویی نهاد های بین المللی کمک کننده به معارف افغانستان، بهتر خواهد بود تا ده سال آینده به "دههء معارف" در کشور نامگذاری گردد. دههء معارف، به دههء مساعی مشترک دولت افغانستان و جامعهء بین المللی در عرصهء پیشرفت و ارتقای کمیت و کیفیت معارف تبدیل شود. دههء معارف را می توان با تدوین استراتیژی توسعهء معارف و بسیج افکار عامهء کشور در نیاز به این پیشرفت، به دههء تأمین صلح پایدار و مطمئن با تقدیم میلیون ها تن از نسل جوان و متعهد به فرهنگ صلح، قانونیت، عدالت، آزادی، دموکراسی و معتقد به ارزش های دینی و ملی مبدل کرد.

اهداف جبههء ملی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

افغانستان کشوری است مستقل، آزاد، واحد وغیر قابل تجزیه، با تاریخ کهن پر فراز و نشیب و مشحون از مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه؛ اما با کمال تأسف مردم ما با وجود داشتن افتخارات بزرگ و درخشان تاریخی، مبارزه و مقاومت در برابر تجاوز خارجی و استبداد داخلی، تا هنوز در راستای ایجاد نظام سیاسی با ثبات و مردمی دچار مشکل می باشند. از پهلوی دیگر مردم این سرزمین تا کنون در میان فقر، بی سوادی، بیکاری و وابستگی ها دست و پا می زنند.

تحولات سال های پسین در سطح جهانی و حصول تفاهم جامعهء جهانی دربارهء بازنگری مسألهء افغانستان و پدید آمدن زمینه های مساعد داخلی پس از حادثهء ۱۱ سپتامبر، منجر به توافقات بن گردید که پنج سال پیش از امروز فرصتی را مساعد ساخت، تا برخی از نیروهای ملی و جامعهء جهانی برای حل بحران افغانستان دوشا دوش یکدیگر وارد میدان گردند و با استفاده از این فرصت در پهلوی نواقص و کاستی های فراوان، دستاوردهایی هم چون ایجاد ادارهء موقت، برگزاری لویه جرگهء تصویب قانون اساسی، تصویب قانون احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی، راه اندازی انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی، نصیب مردم ما گردید.

اما کوتاهی در تأسیس یک ادارهء سالم و مدیریت مؤثر و خدمتگذار به مردم و بی برنامگی، امتیاز طلبی، ضعف و ناتوانی ادارهء موجود نه تنها فرصت به دست آمده تلف گردید، بلکه اجرای تعهدات دربارهء مشارکت سایر نیروهای ملی در حیات سیاسی و اجتماعی، بازسازی مؤسسات زیربنایی و ایجاد شغل، تقویت پولیس و اردوی ملی، مبارزه در برابر مواد مخدر، جرایم و جنایات سازمان یافته از یک طرف و عدم دقت در اجرای فعالیت های رزمی نیروهای خارجی که بیشترین آسیب آن را افراد ملکی متحمل می شوند، سبب خشم و نارضایتی فزایندهء مردم گردیده است و این وضعیت زمینهء مناسبی را برای دست درازی بیشتر دشمنان مردم افغانستان به وجود آورده است.

دولت به جای آوردن اصلاحات لازم، با متمرکز ساختن قدرت در دست حلقه یی محدود، راندن اشخاص و گروه های فعال، دلسوز و متخصص زیر عناوین گونه گون از صحنهء خدمتگذاری، حیف و میل کمک های جامعهء جهانی، به حراج گذاشتن تصدی های دولتی، وابسته ساختن بیشتر کشور به تولیدات خارجی و سیاست های سلیقه یی دولت در رابطه با مخالفین و حامیان بیرونی عوامل دیگری اند که بر یأس و نا امیدی های مردم افزوده و موجب وسعت دامنهء جنگ و نا امنی در کشور گردیده است.

وضعیت بحرانی کشور، ضرورت مبرم مبارزهء جدی و مؤثر را برای انجام تحولات عمیق و گسترده می نماید. بنا بر این شماری از رهبران احزاب سیاسی، نمایندگان منتخب مردم و شخصیت های مستقل ملی گردهم آمده و در چارچوب قانون اساسی کشور برای بیرون رفت از اوضاع ناگوار کنونی و سازمان دادن زندگی تازه در ابعاد گونه گون، اهداف زیر را اعلام می دارند:

۱– پیروی از اساسات و احکام دین مبین اسلام.

۲– سعی در تامین آزادی اجرای مراسم و مناسک مذهبی پیروان سایر ادیان در حدود احکام قانون.

۳– رعایت سنن پسندیدهء ملی.

۴– دفاع از آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان.

۵– پشتیبانی از دموکراسی و حاکمیت قانون.

۶– تلاش در تامین حقوق و آزادی های اساسی مردم افغانستان.

۷– رشد و توسعهء نهادهای جامعهء مدنی و مبارزه در برابر همه اشکال تبعیض و تمایز بر مبنای قوم، نژاد، زبان، جنس، مذهب، موقف اجتماعی، اقتصادی وغیره.

۸– مساعی برای آوردن اصلاحات و تعدیلات در قانون انتخابات پارلمانی بر اساس سیستم تناسبی مختلط (مشارکت احزاب و شخصیت های مستقل).

۹– به خاطر نهادینه ساختن دموکراسی و تحقق اصل حاکمیت سیستم مردم سالار تغییر ساختار نظام ریاستی به نظام پارلمانی با ایجاد تعدیلات در قانون اساسی کشور از طریق لویه جرگه مطابق به مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ قانون اساسی.

۱۰– جانبداری از انتخابی شدن والی ها در سراسر کشور از مجرای قانونی آن.

۱۱– سعی در تأمین مشارکت عادلانه در حیات سیاسی و ایجاد فرصت های برابر در عرصه های اقتصادی و فرهنگی برای همه اقوام و باشندگان افغانستان.

۱۲– حمایت از آزادی بیان مطابق به قانون اساسی.

۱۳– تلاش در جهت توسعهء متوازن اقتصادی، اجتماعی به منظور تحکیم وحدت ملی و استقرار ثبات دائمی در افغانستان.

۱۴– پشتیبانی از سیاست اقتصاد بازار با رعایت مسؤولیت های اجتماعی. دولت مکلف است تا برای تحقق اقتصاد بازار، برای احیای زیر بناهای اقتصادی در جهت اعطای قرضه های کوچک، متوسط و بزرگ و بیمه های اقتصادی قدم های محکم و اجرایی بردارد.

۱۵– سعی در تأمین عدالت اجتماعی و رفاه عامه، ایجاد و گسترش نظام تعلیم و تربیهء متوازن، خدمات و بیمه های اجتماعی.

۱۶– تلاش در جهت تأمین حقوق و امتیازات معلولین، معیوبین و ورثهء شهداء.

۱۷– به کار گیری و استخدام اشخاص در زمینه های ملکی و نظامی بر اساس لیاقت و شایستگی با رعایت مشارکت عادلانهء ملی.

۱۸– مبارزهء پیگیر برای امحای کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر.

۱۹– مبارزه علیه تروریزم و همکاری جامعهء جهانی در این عرصه.

۲۰– تلاش برای رعایت حقوق بشر.

۲۱– تلاش در جهت تأمین عادلانهء حقوق زنان مطابق به قانون اساسی.

۲۲– فراهم آوری زمینهء برگشت داوطلبانه و آبرومندانهء ملبون ها مهاجر به کشور.

۲۳– تشریک مساعی و هماهنگ سازی فعالیت نیروهای بین المللی با نهادهای امور دفاعی و امنیتی افغانستان.

۲۴– اصرار بر اصل اتکاء به نیروهای ملی و با فشاری برای تجهیز و تقویت نیروهای اردو و پولیس کشور از نظر کمی و کیفی.

۲۵– تلاش در جهت بلند بردن اعتبار مؤسسات دولتی و بستن کلیه زندان های خصوصی داخلی و خارجی در قلمرو کشور.

۲۶– افغانستان عضو متساوی الحقوق جامعهء بین المللی است. ما در حالی که به حفظ هویت افغانستان به یک کشور اسلامی و غیر وابسته تأکید داریم کنوانسیون ها و میثاق های بین المللی را احترام نموده به این باور هستیم که اشتراک فعال در حل مسایل جهانی و همکاری های بین المللی و منطقه یی به اعتبار کشورها می افزاید.

۲۷– حمایت از همزیستی مسالمت آمیز و همکاری در عرصهء بین المللی بر اساس احترام متقابل و تساوی حقوق.

۲۸– تأمین و حفظ روابط حسنه با همسایگان بر اساس حسن هم جواری و همکاری و احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر.

۲۹– طرفداری از اصل تنظیم روابط خارجی بر اساس منافع ملی.

جبههء ملی افغانستان با در نظر داشت تجارب گذشته و آگاهی کامل از اوضاع جاری کشور، برای رسیدگی به وضعیت ناگوار و دردناک امروزی، بدین باور است که:

الف – مشکلات موجود در افغانستان تهدیدی است، هم برای کشور و هم برای جامعهء جهانی، می باید برای بررسی کارکردهای پنج سال پسین دولت و ارائهء راه حل برای چالش های موجود، کنفرانسی در سطح جهانی مانند کنفرانس بن برگزار نماید.

ب – برای حل بحران جاری افغانستان توسل به راه حل نظامی کافی نیست. برای حل سیاسی معضلهء کشور باید به همه گروه هایی که به قانون اساسی افغانستان و منافع ملی تعهد داشته باشند، زمینهء آشتی و مشارکت سیاسی را فراهم آورد.

گروگان گیری ها و پیامد ها

ابوبکر سبزوار

می توان گفت تبادلهء پنج زندانی طالبان دربرابر خبرنگار ایتالیایی نوعی اعتراف تلویحی از جانب دولت افغانستان به قبول این مسأله است که افراد دشمن که دستگیر می شوند اسیر جنگی بوده و مانند اسرای جنگی عادی قابل تبادله شدن هستند

خبر گروگان گرفتن یک خبرنگار ایتالیایی در ولایت هلمند وسپس رهایئ وی در بدل آزادی پنج تن از افراد مهم طالبان را باید بیش از واقعهء تصادفی به شمار آورد. زمان این گروگان گیری که مصادف به بحث در بارهء ادامه یا پایان حضور نیروهای ایتالیایی در پارلمان ایتالیا بود، نشان از آن داشت که طالبان اکنون به اهمیت انتخاب زمان برای دست یابی به اهداف شان بیشتر از هرزمان دیگر توجه دارند. آنها دقیقاً می دانستند که برای دولت افغانستان خروج سربازان ایتالیایی یک چالش بزرگ به شمار می رود وبرای ناتو نیز این کار می توانست نوعی شکست در ماموریت افغانستان تلقی گردد.

در چنین موقعیت حساس، به گروگان گرفته شدن یک خبرنگار ایتالیایی در هلمند فرصت طلایی در اختیار طالبان قرار داد. آنها می دانستند که رئیس جمهور کرزی که فقط به خاطر متقاعد ساختن اعضای مخالف حکومت در پارلمان ایتالیا برای ادامهء حضور سربازان ایتالیایی در افغانستان، مجبوربه سفر به رم شد، در برابر خواست طالبان مبنی بر آزادی عده یی از افراد مهم آنان چاره یی جز تسلیم شدن ندارد. پیشبینی طالبان درست بود و حکومت در برابر این مساله چنان دست و پاچه شد که نه به کشته شدن رانندهء افغانی اعتنا کرد و نه اجمل نقشبندی را شامل معامله نمود. طالبان که احساس کردند دست بالا را دارند، تلاش نمودند تا تعداد بیشتری از افراد خود را آزاد سازند. در این میان دو تن از افراد مورد مطالبهء طالبان یعنی ملا مجاهد و دکتر حنیف از پیوستن مجدد به طالبان سرباز زدند. دکتر حنیف به این دلیل که اعترافاتش از طریق رسانه های خبری به نشر رسیده بود، امکان بازگشت به سوی طالبان را از دست داد. در این جا اشتباه بزرگ ریاست امنیت ملی این بود که فقط به منظور استفادهء تبلیغاتی از اعترافات دکتر حنیف، وی را در نزد طالبان بی اعتبار ساخت در حالی که دکتر حنیف کسی بود که ریاست امنیت ملی در شرایط فعلی به وجود وی در صف طالبان به عنوان یک مهرهء بسیار با ارزش نفوذی ضرورت داشت.

اما ملا مجاهد که قبل از سقوط طالبان نیز اسیر شده و سالها را در زندان جبههء متحد در پنجشیر گذشتانده و سپس با اسیران جبههء متحد تبادله شده بود، خسته از تحمل دوره های طولانی زندان، از برگشت به سوی طالبان ابا ورزید و بلافاصله از جانب رئیس جمهور کرزی مورد عفو قرار گرفت.

بحرانی که با گروگان گیری خبرنگار(له روپبلیکا) به وجود آمد توسط مقامات دولت افغانستان به صورت ناشیانه مدیریت شد. طالبان می خواستند نشان دهند که جان اتباع افغانستان برای دولت این کشور مهم نیست زیرا این دولت گوش به فرمان خارجیان دارد و به فرمان آنان عمل می کند. دولت هم با به فراموشی سپردن خبرنگار افغانی در این معامله در حقیقت همین معنی را تجسم عینی بخشید. این کار دولت به واکنش اعتراض آمیز نهاد های جامعهء مدنی مواجه گردید.

ملا داد الله فرماندهء خشن طالبان در هلمند که افراد تحت امر وی خبرنگار ایتالیایی را به گروگان گرفته بودند با جملاتی که مشخص بود از خودش نیست گفت که همانگونه که خارجیان در تماس وتفاهم با طالبان، خبرنگار خود را آزاد کردند، اکنون بر دولت افغانستان است که به صورت مشابه عمل کند. وی تهدید نمود که در صورت بی تفاوتی دولت افغانستان، اجمل نقشبندی کشته خواهد شد.

تنها نقشبندی اسیر طالبان نیست بلکه تجربهء خبرنگار ایتالیایی جنگجویان طالب را تشویق نمود تا برای رهایی افراد خویش، افراد دیگری را نیز به گروگان بگیرند. همین اکنون افرادی از کارکنان صحی که در ولایت قندهار مشغول خدمت بودند هم گروگان طالبان هستند که بدون شک این کار ادامه خواهد یافت. این عمل موجب خواهد گردید که بازسازی و مدد رسانی به مردم در جنوب با چالش های جدیدی مواجه گردد.

اکنون دولت افغانستان بر سر دوراهی دشوار گذاری قرار گرفته است. دادن امتیازات جدید به طالبان از طریق آزاد کردن افراد دیگری از آنان، دادن امتیاز به کسانی است که آنها را تروریست می داند. امریکا به این باور است که به تروریست ها نباید هیچگونه امتیازی داده شود. تروریست هایی که دستگیر می شوند، اسیر جنگی به شمار نمی آیند و از مزایایی که در کنوانسیون های بین المللی برای اسرای جنگی به رسمیت شناخته شده است، برخوردار نمی شوند. با همین منطق است که امریکا سالهاست افرادی را به اتهام اقدامات تروریستی در زندان گوانتانامو نگهداشته است.

می توان گفت تبادلهء پنج زندانی طالبان دربرابر خبرنگار ایتالیایی نوعی اعتراف تلویحی از جانب دولت افغانستان به قبول این مساله است که افراد دشمن که دستگیر می شوند اسیر جنگی بوده و مانند اسرای جنگی عادی قابل تبادله شدن هستند. شرایط عملی در کشور طوری است که نمی توان تعریف هایی را که بیشتر بار سیاسی دارد و منطبق با اهداف سیاسی کشور های خاص مطرح می شود، به عنوان یک نصب العین رهنمای عمل قرار داد. کما این که برای رهایی خبرنگار ایتالیایی راه دیگری جز این وجود نداشت و در مورد اجمل نقشبندی نیز راهی جز دادن امتیاز وجود ندارد. هرچند بدون تردید این کار موجب تقویت بیشتر روحیهء طالبان خواهد شد اما نجات جان وی مهمتر از این مسائل است.

غیر عبرت زین چمن دیگر چه بردارد بهار؟

عبدالقیوم ملکزاد

دروصف جوش سبزه وباغ وگل وبهار- که به حق مظاهری اندازلطف آفریدگار – گفتنی های فراوانی تذرلب شده. هرگاه درسرزمینی حالات اجتماعی ویا اوضاع سیاسی برای استشمام عطر روح افزای صلح و رهیدگی و نشاط و امنیت و از این دست پدیده های زیبا، فراهم بوده، هفته ها و حتی ماه ها قبل، مردم برای استقبال آن آمادگی می گرفته اند و گلبانگ جانپرور آزادی و رفاه را با جشن و پایکوبی و سرور بهار طبیعت، مضاعف می ساخته و می سروده اند:

آمد بهار خرم و آورد خرمی
وز فر نو بهار شد آراسته زمی
خرم بود همیشه بدین فصل آدمی
با بانگ زیر و بم بود و قحف در غمی (۱)
زیرا که نیست از گل و از یاسمن کمی
تا کم شده ست آفت سرما ز گلستان

بنمود چون ز برج بره آفتاب روی
گلها شکفت بر تن گلبن به جای موی
چون دید دوش گل را اندر کنار جوی
آمد به بانگ فاخته و گشت جفتجوی
بلبل چو سبزه دید همه گشته مشکبوی
گاهی سرود گوی شد و گاه شعرخوان(۲)

ویا :

جشن فرخندهٔ فروردین است
روز بازار گل و نسرین است!
بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

اما برعکس، اگر ورق گردانی نسخهٔ گردون ازکهنگی ها، و آمدن موسم بهار، توام بوده با حال و شرایط و روزگاری که ازآنها رنگ ماتم و اندوه پدیدار بوده و به بیان دیگر: گردون به کام مردم نمی گشته و بوی صلح و امن و صفا و صمیمیتی به مشام نمی رسیده ...، انتظار پذیرایی از بهار، این آیینهٔ رحمت الهی نیز کمرنگ و حتی بی رنگ بوده و دلهای حسرت بار، غمگینانه می سروده اند:

گویید به نوروز که امسال نیاید
درکشور خونین کفنان ره نکشاید
بلبل به چمن نغمهٔ شادی نسراید
ماتم زدگان را لب پرخنده نشاید
خون می دمد ازخون شهیدان وطن وای
ای وای وطن وای

ویا :

بهار آمد دل خرم به شهر سوگواران کو؟
به شهر سوگواران آفتاب گرم خندان کو؟
به هر جا بگذری درگوش آید نالهٔ ماتم
که درماتمسرا جز ناله های دردمندان کو؟ (٭٭)

عده یی هم آن را فصل عاشق شدن وانمود کرده اند. چنانچه شیخ اجل سعدی می گفت :

آدمی نیست که عاشق نشود فصل بهار
هر گیاهی که به نوروز نجنبد حطب است

برخی از پیشروان شعر و ادب، درچهرهٔ این پدیدهٔ زیبا، آثار لطف و جمال و جلال خدا را جستجو و پای بحث خدا شناسی را به میان می کشیده اند:

چنانچه دراین بیت معروف می خوانیم:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتریست معرفت کردگار

ویا :

هر گیاهی که برزمین روید
وحده لا شریک له گوید

محور بحث این قلم همگون با سخن آن عده از سخنوران کلاسیکی می باشد که، مفهوم نوروز یا بهار را نه تنها به معنای "دگرگونی در طبیعت" در نظر گرفته اند، بلکه آن را به منزلهٔ "تحولی در روح و قلب آدمی" دانسته‌اند.

این نکته نیز قابل ذکراست که، هرگاه در زمینهٔآنچه اشاره شد با درنظرداشت نیاز و شرایط زمان و مکان و تطبیق آن با وضعیت حیا ت انسانی و اجتماعی، کار بیشتری صورت گیرد، به قول ارجح عمل شده است.

سخن را ازاینجا می آغازیم که:
تغییرفصول سال، آیینه دار عبرت است و درسی ازکتاب پر رمز و راز هستی!

چنانچه اگر با کنجکاوی عمیق، چشم تأمل کشوده شود، می توان ــ به تعبیر پدر معنی ها ــ از هر برگ گل ورق گردانی چندین کتاب عبرت را به نظاره نشست.

سؤالی که پیش می شود این است: گل، یا یکی از نمونه ها و مظاهر ارمغان بهار، چرا از عمر طولانی برخوردار نیست؟ چرا نمی تواند بیشتر از هفته ای و یا ماهی دوام بیاورد؟ هرچند انسان ها باکمال اشتیاق و راه اندازی تلاش گسترده، آرزوی پایش بیشترگلها، خصوصا آن نوع گلهایی را که کاشته و پرورده می شوند، به دل می پرورند و خواستار دوامدارتر شدن رنگ و طراوت چهرهٔ آن می گردند و دلبستهٔ پراگندن بوی مشام پرورش در دل و دماغ؟!

و یا چرا گل درعین خندان بودن، صبحگاهان همیشه گریان است؟

این ها همه برای آن می باشد که، انسان باید از آن ها درسی فرا بگیرد.

چه زیبا گفته است ابو المعانی:

چند باید بود مغرور طراوت های وهم
شبنمستان نیست بیدل چشم تر دارد بهار

یکی ازخصوصیات تدبر و تعمق رویاندن اندیشهٔ احساس در دل و روان آدمی است. ریشهٔ احساس اکثراً از اشک دیده سیراب می شود. از همین سبب است که قرآن هدایت می فرماید تا انسان گریه کردن را بر خندیدن بیشتر ترجیح دهد.

چون: گریه سوز می آفریند و صفایی بر می انگیزد. اما خنده ـ هرچند برخی "نمک زندگی" اش خوانده اند ـ اما اگر به افراط گراید، بد مستی و سُبکی می آفریند، غفلت را فربه می کند و تعب و سختی به دنبال می آورد.

چنانچه گفته اند:

عاقبت هر طرف تاخته شور و تعب
آخر هرمستی پی گشته خمارش عذاب (٭٭٭)

دلیل کم دوامی گل ــ هرچند برای چند روزی شادی آفرین است و درخشنده چون نگین بر فرق زمین ــ دال بر نا پایداری عیش و مقام و جلوه و دبدبه و بی ثباتی می باشد و راه نماینده به سوی قطعی بودن شکست و فرو ریختن و انهدام اشیاء و یا مخلوقات و ثابت کنندهٔ این حقیقت که:

بنیاد دهر آینه دار ثبات نیست
یکسر غبار گردش رنگست آسمان (٭٭٭)

به گفتهٔ دکتر بقایی ـ اقبال‌شناس و پژوهشگر ادبی: قرآن تأکید مستقیمی بر بهار و نوشدن طبیعت دارد؛ آن‌جا که در سورهٔ "مزمل" می‌فرماید:

"نگریستن در آیات الهی به هنگامی که این آیات جلوه و شکوه دیگری پیدا می‌کنند، راه بردن به درک بیشتر خالق هستی است".

حضرت خداوند درجای دیگری می فرماید:

"منتهای همهٔ امور به پرودگار عالمیان است"

ذات باری تعالی متعاقب روشن ساختن حاکمیت خود در امر ربوبیت متذکر می گردد:

"اوست که خنداند و گریاند" و در آیات بعدی این گونه هدایت می فرماید:

ترجمه: "و اوست که میراند و زنده کرد و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید." (سورهٔ مبارکهٔ نجم آیات ۴۲ الی ۴۵).

این تجدید حیات طبیعت به خاطر آن است که خداوند انسان را متوجه می سازد تا اعتقاد زنده شدن بعد از مرگ را بر ضمیر خویش راسخ تر بسازد.

چنانچه کلام مقدس الهی در ارتباط به مبدأ و معاد یاد آور می شود :

"رستاخیز آمدنی است و شکی در آن نیست و خداوند تمام کسانی را که در قبر ها آرمیده اند، زنده می کند" (سورهٔ حج آیت ۷)

این آیات، دلایل مستحکمی اند بر ثبوت معاد جسمانی؛ یکی: از طریق توجه به تحولات دوران جنینی و دیگری: از طریق تحولات زمین به هنگام نموی گیاهان!

آمد و رفت بهار، تکرار درس های معلم طبیعت است برای انسانها، و هشداری جدّی بر این که:

بردستگاه هستی چندان هوس نپیچیم
بیش از تبسمی نیست خوان سحر کشودن (٭٭٭)

بیدل در بیتی راجع به متحول بودن طبیعت و این که هیچ چیزی نمی تواند خارج از دستخوش تغییر بوده باشد، این گونه اشاره یی دارد:

هیچ نشاطی نبرد ره به حصول ثبات
هیچ درستی نداشت غیر شکست اکتساب

با توجه به لزوم تعمق در اشیاء: تفکروا فی آلاء الله و لاتفکروا فی ذات الله "حدیث شریف" و اندیشیدن به انجام و عواقب عملکردهاست، که انسان ــ چنانچه آقای محمود نوالی عضو هیأت علمی گروه و فلسفهٔ دانشگاه تبریز در یکی از مقالاتش اشاره کرده ـ باید به اصل "لیس التکرار فی التجلی" بیندیشد. یعنی: هرپدیده و هر تجلی خود به نحوی هادی به اصل است و آن را نمی توان بی معنی دانست و از آنها چشم بر دوخت.

به گفتهٔ این نویسنده، در عرفان تنها وجود انسانی آرزومند نظاره به حق تلقی شده است، ولی چون نظارهٔ مستقیم میسّر نمی‌گردد، بدان جهت، تفکر در آلاء مطرح می‌شود و گرایش به سوی درک معنی تجلیّات، شدّت می‌یابد. به هر حال تنها انسان در آرزوی دیدار حق است، تنها اوست که به این امر اصلی فکر می‌کند و عشق می‌ورزد. بنابراین راه به سوی حقیقت جز به وسیلهٔ انسان مفتوح نمی‌گردد:

ای نسخه نامهٔ الهی
وی آینهٔ جمال شاهی
بیرون ز تو نیست هرچه هستی است
از خود بطلب هر آنچه خواهی

حافظ نیز می فرماید :

سرو چشمی چنین دلکش توگویی چشم زو بر دوز
برو کاین وعظ بی حاصل مرا در سر نمی گیرد

و به فرمودهٔ سخنوری عارف :

چشم بگشا که جلوهٔ دلدار
به تجلی است از در و دیوار
این تماشا چو بنگری گویی
لیس فی الدار غیرهٔ دیار

بهار فصلی است که انسان ها به ویژه فرهیختگان و اندیشمندان را، به تفکر و تأمل در زیبایی‌های پدیداری، تازه شدن و نفس کشیدن زمین و دگرگون شدن حیات وا می‌دارد.

"انسان‌ها بسیاری از اعمال خود را به‌منظور امور دنیایی و جلب قلوب دیگر انسان‌ها انجام می‌دهند، اما در لحظهٔ تحویل سال ـ که یک دگرگونی صورت می گیرد ـ به خود متذکر می‌شوند، که سر رشتهٔ همهٔ امور، حتی قلب‌های انسان‌ها فقط در ید بلا کیف خداوند قراردارد."

بی مناسبت نخواهد بود مثالی از بعضی از به نو دوران رسیده های کم ظرف نیز ارائه گردد. یعنی از عناصری که با دست یافتن به مقامی و جایگاهی یکباره چنان مست و بی خود و غافل می شوند، که پنداری همه چیز و همه مردم در زیرنگین فرمان شان قراردارد و چنین موقعیت ها هم برای شان مستدام است !!

اگر انسان به این نکته توجه کند، یقیناً هوای غرورکبر و نخوت به هیچوجه در ساحت صحرای دلش خرگاه نمی زند، بل سعی و تلاش را بر آن متمرکز می سازد که به مهر و همدلی و محبت با دیگران کوشا گردد و یقینش به این می شود که نتیجهٔ داشتن ذهنیت منفور برتری طلبی و خود بزرگ بینی و عجب و تکبر، جز انحراف و مصیبت گستری و خسران چیز دیگری در قبال ندارد!

اما آنانی که خرد ورزند، ولو به هر جایگاهی که تکیه داشته باشند، اندرز و تلقین همیشگی شان به دیگران این است:

نباید بودن از پشت و رخ کار جهان غافل
چو زنبور عسل نیشی است در دنبال نوش او (٭٭٭)

باور انسان عاقل بر این بنا استوار است که با تواضع و همدلی و خدمت صادقانه و انجام کار خیر می توان رضای خدا را کسب و پل تحکیم روابط حسنه با مردم را برای امروز و فردای زندگی استوارتر ساخت و این امر وسیله یی است بر این، که میزان محبوبیت نزد همه افزوده آید.

چه خردمندانه است و ارج آفرین، اگرآدمی متیقن به این گردد که:

خوبی یکی هزار است از شیوهٔ تواضع
ابروی ناز گردد شاخ گل ازخمیدن (٭٭٭)

دست یافتن به مناصب و فراز شدن بر مقامات و کرسی های چند روزه و موقتی، نباید به هیچ صورت مفهوم ناز بر دیگران فروختن و بر هوا پریدن و جست و خیز بیجا زدن را ارائه دهد. بلکه چنین موقعیت ها باید سبقی تلقی گردد از کتاب عبرت، که باید فرا گرفت و آن را لطفی از سوی خدا و امتحانی بزرگ از جانب پروردگار و وسیلهٔ انجام خدمت برای مردم، وانمود کرد.

خرد ورزان را وقوف بر این است که به دنبال هرسپیده دم، شام سیهی نیز به دنبال می باشد و در پی هر بهاری جلوه افروز فصل دگرگون گری است به نام برگ ریزان و زمستان!

همان سان که دنبال هرسرور و شادمانی، نمی توان فرا رسیدن غمی بیکران را ازیاد برد و لازمهٔ همه اینها ابراز امتنان است و ادای شکر به بارگاه خدای منّان.

متوجه باید بود که، به مصداق این گفتهٔ بیدل:

رنگ دامن چیدن و بوی گل از خود رفتن است
هرکجا گل می کند برگ سفر دارد بهار!
جلوه تا دیدی نهان شد، رنگ تا دیدی شکست
فرصت عرض تماشا این قدردارد بهار!

هیچ چیزی از مخلوقات آفریدگار مستثنی از دگرگون شدن نیست.

این آمد و شد ها، یعنی تحویل سال و یا تغییر فصل و ماه و همچنان تعویض روز به شب، می تواند درس های جانبی زیادی با خود داشته باشد: نظیر تبدیل شدن خوشحالی به غم، برخورداری آدمیزاد از دور جوانی، که یقین باید داشت در برابر آن شب پیری رسیدنی است. یا سحرگاه پیروزی، که شامگاه شکست و ناکامی و فرو افتادن به پرتگاه ذلت را در قبال دارد. بازی با "شیطان زرد" و مال و منال و ثروت، بسا اوقات آدمیان را به خاک فقر و تنگدستی می نشاند. لمیدن به کاخ های سر به فلک کشیده، این احتمال را نیز باخود دارد، که روزی آدمی به کوخ های عبرت انگیز نیز فرو کشیده شود!

همین طور آیا ممکن است با موجودیت بهار پرنشاط صحت مندی و تندرستی و شادابی، گرفتار شدن به چنگ خزان علالت و بیماری های گوناگون را به فراموشی سپرد؟ و یا آیا می شود از صبح عروج به مقام و منصب به غروبگاه بی سرنوشتی و به زیرشدن از کرسی اجلال و اقتدار و یا برطرفی و عزل و بسا از این گونه مثال ها، غفلت ورزید؟ و...

اینها همه قیاسی اند بر تجدید و یا رفت و آمد سال ها و فصل ها و ماه ها و ایام از پی هم، و در نهایت دروسی اند آموزنده برای انسان ها و به کار بستن فکر و هوش و حواس و مطالعهٔ دورنمای زندگی، و سبق هایی اند بر این که:

به صبح عیش مباش ایمن از سیه روزی
مدام سایه و مهتاب دوش بردوشند(٭٭٭)

آموزه هایی اند بر این که :

سرت ار به چرخ ساید، نخوری فریب عزت
که همان کف غباری، به هوا رسیده باشی (٭٭٭)

پی نوشت ها :

۱- قحف : کاسه چوبی ، کشکول چوبین .
۲- ازسرودهٔ " دروصف بهار " منوچهری
۳- ابیات داخل دو ستاره از شادروان استاد خلیل الله خلیلی است.
٤- علامت سه ستاره، اشاره است به این که آن ابیات از گلشن دیوان ابوالمعانی بیدل (رح) چیده شده اند.

د سیلاوونو په پیښه کې د ملي اردو ونډه ستايو

عباسی



په هېواد کې د څو کلونو په وچکالۍ پسې دا دی په ژمي کې د اوربښت او واورې د اورېدو له امله تمه پیدا شوي، چې نور نو د خدای په لورینه وچکالي تیره شوه او هېواد مخ په ښېرازه کېدو دی.

د وچکالی له امله په غرونو، درو، او د سیلابونو په بهیر کې ونې او بوټي وچ شوي؛ نو څکه باران چې و ورېږي، واوره ویلی کوي او په مخ کې یې یوټی نه شته چې ځای پر ځای یې ډب کړی او نه هم په هېواد کې سیلابونو د مخنیوی لپاره بندونه؛ نو له همدې امله، په وروستیو کې په کابل او د هېواد په ګڼ شمېر ولایتونو کې سېلابونه راغلل، چې د رپوټونو له مخې له امله یې له ۱۶۰ څخه زیات کسان شهیدان شوي، په زرګونو کورنه ویجاړ او کورنی یې بې ځایه شوي، په زرګونو جریبه د کر ځمکو او کروندوته زیان رسیدلی، په سلګونو پلونه ویجاړ شوي دي. او مونږ د دې طبیعي پېښې له امله ټولو مصیبت رسېدلو هېوادوالوته د زړه له کومې نه تسلیت وایو.

په دې پېښو کې څه چې ډېر د پاملرنې وړ او هېوادوال راتلونکی ته هیله من کوي دا دی، چې د ملی اردو ځواکونو، پولیسو، سرې میاشتې، له پېښو سره د مبارزې ادارې، هېوادوالو او سوله ساتي ځواك په خورا اخلاص د ولس ملاتړ ته را ودانګل. پر ملی اردو او پولیسو د ولس ډاډ پیدا شو چې دا نوره د کمونستانو د زماني د خلکو د ځپلو اردونه ده؛ بلکې له مصیبت نه د ژغورل کېدو مټ یې دی نو څکه ولس به وهڅېږی، چې لیکې یې پیاوړې کړي؛ نو څکه د دفاع وزارت باید داسې یو تبلیغاتي عملیه پیل کړې چې په کومو ځایونو کې د ولس ملاتړ ته یې رادانګلی د همغو فلمونه او عکسونه دې د رسنیو له لارې نه خپاره کړي؛ او څومره چې نیك کار تبلېغیږی هومره اغېزه هم ډېر وي.

دولت هم څومره یې چې په وس کې وه، له خپلو امکاناتو یې دریغ ونه کړ: او دا هم نه ښايي چې له دولت نه له حده زیاته تمه ولرو؛ څکه دولت نوی پر پښو درېدلی دی او له طبیعي پېښو سره د مبارزې لازم پرسونل او امکانات نه لري، دغسې پر هېواد وچکالی تېره شوې او بندونه هم نه شته: نو طبیعی ده چې د دغسې پېښو مصیبت رسېدلوته که هر ارځیزه رسېدنه و نه شي؛ نو یاد شوې ستونزې دې په پام کې ونیول شي.

بلخوا سوله ساتي ځواك او یوناما هم په خپل وار مرستوته را ودانګل او دا ښیي چې نړیواله ټولنه په دې بشرې ناورین کې له مونږ سره په ماتم کې ګډه وه او تر وسې یې خپل اخلاص دریغ نه کړ، چې دا چار به د نړیوالو سوله ساتو پر خلاف د یو شمېر ډنډوره چیانو ډنډورې بې اغېزې کړي.

دا چې هېوادوالو په خپله مصیبت رسېدلوته د خپلوی او نورو ملحاظاتو له امله په خپلو کورنو کې ځای ورکړ دا ښیي چې په هېوادوالو کې څومره د خوا خوږی روحیه غښتلی ده او د سړي تمه پیدا کېږی، چې د ولس په منځ کې اصلاً هېڅ ډول تعصب کینه او ترینګلي حالات نه شته او دا وضع هغه شمېر راتده [= تعصبونوته لمن وهوونکی په اصطلاح روښانفکران] ناهیلي کوي، چې په ولس کې د تربګنی او کینې اچولو له لارې نه خپلې خېټې مړوي. ژوند دې وي دغسې زور ور، مجاهد او خوا خوږی ولس او مرګ دې وې پر هر ډول درز اچوونکیو!

د سیلابونو له وروستیو پېښو دې دولت عبرت واخلی او داسې برنامې دې جوړې کړي، چې د راتلونکیو پېښو په مخنیوی کې اغېزمنې وي، دغسې له نړیوالی ټولنې هم غوارو، چې په هېواد کې د لویو او کوچنیو بندونو د جوړولو له لارې نه دسیلابونو په مخنیوی کې د دولت او ولس لاسنیوی وکړی. او پر دې ټولو سربېره په هېوادوالو کې باید د جوماتونو او رسنیو له لارې نه د خوا خوږی او له یو بل سره د مرستې روحیه تبلیغ شي او وروستی پېښی د یوې بېلګې په توګه یادې کړي، د هغې ارماني ورځې په تمه چې هېواد مو له طبیعي، سیاسی، ټولنیزو، اقتصادي او هر ډول نادودو له پېښو نه خوندي شي او ګردهېوادوال په "مدینهء فاضله" کې ژوند وکړي او دا یو "الهي سنت" هم دی، چې په هرې سختی پسې اسانی وي!

جنگ در وزیرستان

وحید مژده

بار دیگر خبر از جنگ در وزیرستان می رسد اما این بار نه میان دولت پاکستان و طالبان محلی بلکه میان طالبان محلی و یاران سابق آنان، افراد جنبش اسلامی ازبیکستان. جنگی که گفته می شود در طول چند روز از هردو طرف درگیر، بیش از یکصد کشته گرفته است.

از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی تا کنون، منطقهء قبایلی وزیرستان میزبان صدها جنگجوی خارجی از کشور های مختلف از جمله آسیای میانه بوده است. تا آنگاه که میان دولت پاکستان و قبایل این منطقه جنگ در جریان بود، مردم بومی با مهمانان خارجی شان در این جنگ هم سنگر وهم پیمان بودند اما چند ماه پس از پیمان آتش بس میان طالبان محلی و دولت پاکستان که طی آن مردم محل تعهد نمودند تا به جنگجویان خارجی در مناطق شان پناه ندهند و آنانی را هم که در آنجا پناه گرفته اند، بیرون کنند، اکنون به نظر می رسد که آن توافق صلح، به نتایج مطلوبی که دولت پاکستان در انتظار آن بود نزدیک می شود. این درحالی است که هم امریکا و هم دولت افغانستان این قرارداد را به نفع جنگجویانی که با نیروهای ناتو در افغانستان می جنگند، ارزیابی کرده بودند.

حرکت اسلامی ازبیکستان

این گروه بزرگترین گروه ضد رژیم اسلام کریموف است که با القاعده و طالبان روابط نزدیک دارد. رهبر این گروه که بیشتر به طاهر یولداش مشهور است به نامهای دیگری چون قاری طاهر جان، محمد طاهر فاروق و طاهر نمنگانی هم شناخته می شود اما طرفدارانش ترجیح می دهند تا وی را قاری صاحب بنامند. قاری طاهر جان به زبانهای ازبیکی، فارسی، پشتو عربی وروسی سخن می گوید و حدود چهل سال سن دارد.

حرکت اسلامی ازبیکستان در عین نزدیک بودن به القاعده، تفاوت هایی هم با این تنظیم دارد. طاهر یولداش حنفی مذهب است و معتقد است که برای این که وحدت مذهبی در ازبیکستان حفظ گردد، باید از نفوذ مذاهب فقهی دیگر در آسیای میانه جلوگیری شود. این شباهت میان حرکت اسلامی ازبیکستان و چچین ها موجب گردیده که آنها در کنار هم قرار گیرند. ملا محمد عمر در دوران



زمانی که قرارداد صلح میان دولت پاکستان و طالبان محلی در وزیرستان به امضاء رسید، مقامات دولتی در افغانستان از آن به انتقاد پرداختند اما به نظر می رسد که عکس العمل افغانستان در این رابطه شتابزده بود در حالی که پاکستانی ها به تأثیرات این قرارداد در مدت زمان طولانی تر نظر داشتند. به نظر می رسد که اکنون آن زمان برای دولت پاکستان فرا رسیده است

حاکمیت طالبان در افغانستان، طاهر یولداش را به عنوان امیر آسیای میانه و قفقاز تعیین نمود.

پس از سقوط طالبان، ازبیک های آسیای میانه هم به مناطق قبایلی آن سوی دیورند پناه بردند و مورد حمایت طالبان محلی در وزیرستان قرار گرفتند.

دولت اسلام کریموف که در جریان سقوط طالبان با امریکا همکاری کرد و پایگاه های نظامی خود را در اختیار امریکا قرار داد، به زودی از دوام همکاری منصرف شد و از امریکا خواست تا نظامیان خود را از ازبیکستان خارج سازد. امریکا هم از طاهر یولداش به عنوان تروریست و مورد تعقیب نام نبرد و این مسأله موجب سوء ظن دولت ازبیکستان و روسها ـ که آسیای میانه برای شان دارای اهمیت است ـ گردید.

حرکت در وزیرستان

طاهر یولداش در وزیرستان جنوبی به ساختن یک مدرسه به نام مدرسهء ماوراء النهر پرداخت که اطفال و جوانان ازبیک، چچین، تاجیک، قرغیز، افغان و اطفالی از سین کیانگ چین در آن در کنار آموزش علوم دینی، به آموزش فنون نظامی نیز می پرداختند. تعداد شاگردان مدرسه به دوصد نفر می رسید که از هفت تا بیست سال سن داشتند و توسط چهارده استاد تدریس صورت می گرفت. اما به تدریج میان ازبیک ها و مردم محل اختلافاتی رونما شد. هواداران طاهر یولداش در تطبیق قوانین شرعی دست به تندروی هایی زدند که مردم محل با آن مخالف بودند. در میان مردم این سخنان شنیده می شد که کسانی که هفتاد سال تحت سیطرهء نظام کفری حیات به سر برده اند، اکنون آمده اند تا به ما اسلام اصیل را بیاموزند و شعایر و عنعنات نظام قبیلوی را غیر اسلامی می خوانند.

در حقیقت این اختلاف که به تدریج به خشونت و کشتار انجامید، ریشه در اختلاف میان داعیهء اسلام اصیل و نظامی دارد که در آن، اسلام با شعایر و عنعنات نظام قبیله یی درهم آمیخته است وبرای مردم قبایل، کنار نهادن اصولی که در توالی نسل ها با آن خو گرفته اند ممکن نیست.

طالبان محلی در قبایل بارها از طاهریولداش خواستند که به افراد خود بفهماند که از این گونه تندروی ها دست بردارند اما آنها به این هوشدارها کمتر توجه کردند. در عین حال قراردادی که طالبان محلی با دولت پاکستان در وزیرستان امضا کردند، قبایل مختلف وزیر بخصوص اتمانزو را متعهد ساخت تا جنگجویان خارجی را از وزیرستان برانند. علاقه مندی دولت پاکستان برای بهتر ساختن روابط با آسیای میانه را هم دراین رابطه نباید بی تاثیر انگاشت. بنابراین، اختلاف بالقوه به صورت ناگهانی به یک جنگ بالفعل و تمام عیار مبدل گردید. هرچند ازبیک ها معتقدند که این جنگ با پول کشور های غربی به راه افتاده است اما این نکته را هم باید در نظر داشت که مردم محل هم نمی خواهند که با نقض قرارداد صلح، بار دیگر مناطق شان مبدل به میدان جنگ گردد.

قرارداد صلح با قبایل

زمانی که قرارداد صلح میان دولت پاکستان و طالبان محلی در وزیرستان به امضاء رسید، مقامات دولتی در افغانستان از آن به انتقاد پرداختند اما به نظر می رسد که عکس العمل افغانستان در این رابطه شتابزده بود در حالی که پاکستانی ها به تأثیرات این قرارداد در مدت زمان طولانی تر نظر داشتند. به نظر می رسد که اکنون آن زمان برای دولت پاکستان فرا رسیده است.

مردم قبایل خواهان خروج طاهر یولداش و هوادارانش از وزیرستانند درحالی که در روی زمین هیچ جایی برای زندگی آنان وجود ندارد. هیچ کشوری حاضر نیست آنان را به عنوان پناهنده بپذیرد در حالی که آنان با خانواده های خویش مجبور به ترک وزیرستانند.

هیئتی به رهبری ملا داد الله فرمانده نظامی طالبان در ولایت هلمند به فرمان ملا محمد عمر به وزیرستان رفته است تا این مشکل را حل کند. افراد جنگجو حاضر به خروجند اما مشکل زنان و کودکان در میان است. ملا دادالله به عنوان آخرین راه حل، مسألهء اسکان این خانواده ها در بخش هایی از ولایت هلمند را پیشنهاد کرده است که تحت کنترل مردان مسلح وی قرار دارند اما هیچ تضمینی برای سلطهء دایمی بر این بخش ها توسط آنان وجود ندارد و طبعاً برای خانواده های ازبیک مشکل خواهد بود که به این مناطق تغییر مکان دهند.

آیا راه حلی وجود دارد؟

اعلان عفو این افراد توسط دولت ازبیکستان می تواند یک راه حل باشد. کاری که دولت لیبی و سعودی هنگام سرنگونی رژیم طالبان انجام دادند و جمعی از اتباع این کشور ها بخصوص زنان و کودکان به کشورهای خود برگشتند. سازمان ملل متحد می تواند در حل این معضل نقش ایفا نماید هرچند با توجه به پیشینهء گروه یولداش و رژیم کریموف، چنین تصمیمی از جانب آن کشور بعید به نظر می رسد. ولی چنین کاری هرگز ناممکن نیست. این در حالی است که ظاهراً هیچ کشور دیگری این افراد را که مهر تروریست بودن بر جبین دارند، نخواهد پذیرفت.

بنابراین به احتمال زیاد این افراد با خانواده های شان به افغانستان خواهند آمد که در این صورت تأثیرات منفی این بازگشت روی وضع امنیتی در جنوب قابل دقت است.

تشکیل جبههء ملی گامی جدید و تجربه یی نو در حیات ملی و سیاسی کشور ماست

الحمدلله و الصلاة و السلام علی عباده الذین اصطفی و بعد:

برداران و خواهران و مهمانان محترم

بعد از یک مرحله تلاش و انتظار سر انجام جبههء ملی امروز رسماً اعلان می گردد، تشکیل جبهه گامی جدید و تجربه یی نو در حیات ملی و سیاسی کشور ماست، گرچه هم پیمانی و کارمشترک افراد و جناح هایی که روزی در مقابل یکدیگر قرار داشتند برای بسیاری از ناظرین بی طرف و اعضا و هواداران خود این گروه ها تعجب آور و سؤال بر انگیز است، اما از نظر آنهایی که به کار مشترک در جبهه آغاز نموده اند این عمل را نیاز مبرم مرحلهء کنونی از تاریخ مبارزات سیاسی در کشور می دانند، تجربه در کشورهای مختلف جهان نشان داده است، زمانی که بحران های سنگین امنیتی، اجتماعی، سیاسی دامنگیر ملت ها و کشورها گردد و عبور از بحران از توان احزاب و گروه های سیاسی به تنهایی مقدور نباشد، و زمانی که موضوع تأسیس و پایه گذاری نظمی جدید ملی در میان ملت ها و کشورها مطرح می گردد معمولاً گروه ها و جناح ها بنا بر ضرورت و تقاضای زمان اختلافات را کنار می گذارند و روی محورهای عمدهء وفاق ملی با هم دست همکاری می دهند.

تشکیل جبههء مقاومت در شرایط مشکلی از تاریخ معاصر کشور و سر انجام پیروزی و موفقیت آن در این مبارزهء تاریخی، نمادی از مفیدیت چنین نوع فعالیت هاست.

در مرحلهء تأسیس دولت اسلامی در مدینه پیمان و میثاق مدینه که به دست ناجی بشریت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم الله علیه وسلم به منظور بستن همه روزنه های نفوذ دشمن و جلوگیری از ایجاد هر نوع نفاق و پراگندگی درمیان جامعه و شهروندان تدوین گردیده بود نمونه یی از این عمل در تاریخ اسلام است.

چنانچه همه اطلاع دارید با وجود سقوط نظام طالبان و حضور گستردهء نظامی و سیاسی جامعهء جهانی هنوز روی بستر بحران حرکت می کنیم. امنیت و ثبات سیاسی تأمین نگردید، بحران بی اعتمادی پا برجاست، وضع اقتصادی و اجتماعی بهبود نیافت، آتش نفاق های قومی، گروهی و جناحی شعله ور شده است. محورهایی در داخل کشور و منابع بدخواه و آزمند از بیرون به این آتش دامن می زنند تا شعله های تباه کن آن فراگیر گردد.

خطر دسته های مسلح مخالف روز تا روز گسترده تر شده و شکل تاکتیک ها و اسلوب های متنوع و پیشرفته را به خود گرفته است. ضعف و ناتوانی دولت در حل بحران ها و ظهور محورهای مافیای فساد نظر به اعتراف برخی از مسؤولان رده های بالایی دولت، تهدید جدی امنیتی را متوجه کشور ساخته است. این اوضاع جمعی از احزاب و شخصیت ها را در داخل پارلمان و بیرون از آن وادار نمود تا در جهت سهمگیری در حل مشکلات ملی شاهد و ناظر نمانده بلکه با ایجاد یک محور عمل مشترک به کار آغاز نمایند - چنانچه در جریان هستید چندی قبل جمعی از اعضای جبههء ملی با سایر اعضای محترم پارلمان در تدوین مسودهء مصالحهء ملی که اخیراً با موافقهء رئیس جمهور به عنوان یک قانون ظهور نمود سهم گرفتند.

تشکیل جبههء ملی به منظور دشمنی با هیچکس صورت نگرفته و هدف آن تضعیف دولت و ایجاد بی ثباتی و تشدید بحران ها نیست. دست اندرکاران این جبهه با شعار«**و ما أرید الا الإصلاح ما استطعت و ما توفِيقِي إلا بالله**» "ومن تا بتوانم جز اصلاح نمی خواهم، و پیروزی ام جز به وسیلهء خداوند نیست" در جهت انجام وجیبهء دینی و مسؤولیت ملی به کار آغاز نموده اند. از کارهای مفید و برنامه های اصلاحی دولت حمایت، و در جهت اصلاح فساد و انحراف تلاش صادقانه می نمایند.

خطوط اساسی این جریان را طوری که در اهداف جبهه می خوانید در اینجا یاد آوری می نمایم:

۱- پیروی از اساسات و احکام دین مبین اسلام. تدین و پابندی به ارزش های اسلام از خصوصیات بارز ملت، و عامل مهم موفقیت در مبارزات تاریخی در پهلوی روحیهء آزادگی و آزاد منشی و میهن دوستی، آن بوده است.

ناتوانی دولت در حل بحران ها و ظهور مافیای فساد تهدید جدی امنیتی را متوجه کشور ساخته است.

****

جستجوی راه حل به این اوضاع جمعی از احزاب و شخصیت ها را در درون و بیرون پارلمان وادار کرد تا به تشکیل این جبهه بپردازند.

****

امیدوارم با پیوستن گروه ها و شخصیت هایی که محبت مردم و میهن در ضمیر شان فروزان است به جبهه، به غنامندی و هدایت آن افزوده شود.

۲- رعایت سنن پسندیدهء ملی که در پهلوی سایر ارزشها مبنای عمدهء هویت ملی ما را تشکیل می دهد.

۳- پشتیبانی از حاکمیت قانون، تأمین عدالت و ارزشهای دموکراسی که قانون اساسی افغانستان آن را مشخص نموده است.

۴- دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان

۵- سعی در جهت رشد و توسعهء نهادهای جامعهء مدنی، و مبارزه در برابر همه اشکال تبعیض بر مبنای قوم و نژاد و پایگاه اجتماعی و اقتصادی و غیره و سعی جدی در تأمین حقوق و آزادی های سیاسی مردم افغانستان.

۶- بذل مساعی برای ایجاد اصلاحات و تعدیلات در قانون انتخابات بر اساس سیستم تناسبی مختلط (مشارکت احزاب و شخصیت های مستقل) در عین حال تلاش در جهت تغییر ساختار نظام ریاستی به نظام پارلمانی از راه تعدیل در قانون اساسی به وسیلهء لویه جرگه مطابق مادهء ۱۴۹ و ۱۵۰ قانون اساسی.

۷- جانبداری از انتخابی شدن والی ها در سراسر کشور به صورتی که ضامن مشارکت مردم در ادارهء امور کشور و تقویت مرکزیت و ثبات بیشتر نظام گردد، و نباید این هدف را به معنای مرکز گریزی و تضعیف دولت به اشتباه گرفت.

۸- مبارزهء جدی و پیگیر برای امحای کشت خشخاش، تولید و قاچاق مواد مخدر. با تأسف باید یاد آورد شد که دولت و جامعهء بین المللی تا هنوز نتوانسته اند برنامهء مؤثری را که حاوی حل مشکلات دهقانان محروم و کم زمین و ضامن محو کشت خشخاش، تولید و قاچاق مواد مخدر باشد ارائه نمایند و مافیای داخلی و خارجی مواد مخدر فعالتر از دولت و جامعهء بین المللی سرگرم توسعه کار خویش در این زمینه است.

۹- در عرصهء مبارزه با تروریزم و همکاری با جامعهء جهانی لازم می دانم از اصطلاح تروریزم اسلامی که در مطبوعات برخی از کشورها به کار می رود شدیدا انتقاد نمایم. چون تروریزم ملت و مذهب ندارد، پدیده های تروریستی درمیان پیروان مذاهب و ملل مختلف در گذشته و در تاریخ معاصر ظهور نموده و وجود دارد وعلمای اسلام این عمل را حرام دانسته به شدت تقبیح می نمایند، و باید دانست که بیشترین قربانی اعمال تروریستی مسلمانان بوده اند.

۱۰- تلاش در جهت رعایت حقوق بشر یکی از اهداف عمدهء جبهه است. عکس العمل برخی از اعضای جبههء ملی در برابر غوغای گزارش دیده بان حقوق بشر به این معنی نیست که آنها منکر عدالت و مخالف حقوق بشر بوده اند، بلکه این موقف گیری بر اساس نادرستی آن گزارش و استفادهء سیاسی از حقوق بشر و عدم بی طرفی تهیه کنندگان آن بوده است.

۱۱- به ارتباط هم کاری های امنیتی جامعهٔ بین المللی دید جبههٔ متحد این است که این همکاری ها در چهارچوب ارزش های قانون اساسی و تأمین مصالح ملی و هم آهنگ با نهادهای دفاعی و امنیتی افغانستان صورت گیرد.

تأکید جبهه بر آن است که دولت و جامعهٔ جهانی در تجهیز و تقویت نیروهای اردو و پولیس از نظر کمی و کیفی توجه جدی نمایند، تا خود مردم افغانستان و نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در فرصت زمان کوتاه توانمندی دفاع و تأمین امنیت ملی را دریابند.

در این جا لازم می بینم از همکاری کشورهای دوست افغانستان که در جهت تأمین مصالح ملی مردم افغانستان کمک های مالی، امنیتی و انسانی می نمایند صممیانه ابراز سپاس و شکران نمایم.

اینک ما به سوی افق های روشن و امیدآفرین به آن روز چشم به راهیم، روزی که غرش توپ ها و فریاد خمپاره ها و انفجار بمب ها خاموش شود و کشتار کودکان، زنان و جوانان بیگناه ما پایان یابد و مخالفان با گذاشتن تفنگ به میز مذاکره حاضر شوند، و ملت افغانستان به دور از غوغای جنگ و آشوب و بی نیاز از کمک نیروهای مسلح خارجی برادر وار در تأمین صلح و امنیت کشور شان دست به دست همدیگر بدهند و به صورت فعال در صلح و امنیت جهانی شرکت ورزند و ماذالک علی الله بعزیز.

گامی را که جبهه در راه بنای وحدت و یکپارچگی ملی پیش گذاشته است، آغاز نوی برای فردای بهتر است، امیدوارم شخصیت ها و گروه هایی که این عشق و محبت مردم و میهن در کانون ضمیر و وجدان شان فروزان است با مشارکت در این جریان به غنامندی و هدایت بهتر آن کمک رسانند.

و السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

جهان در معرض فاجعهء هولناک

نویسنده: خالد قشطینی   برگرداننده: عبدالحفیظ همام

جهان در بسیاری از جوانب ممنون غرب است. بیشترین فضل وکمال در زمینه های اکتشافات طبی، پیشرفت تکنولوژی و فن آوری و اصلاحات سیاسی و اجتماعی، به غرب بر می گردد. اما غرب نیز مسؤول جنایت های بزرگی است که بشریت را به آن دچار نموده است. از آن جمله ـ به گونهء مثال ـ جنگ جهانی اول و دوم است که عامل بد بختی و تباهی ملت هایی گردید که هیچ گونه ربطی به جنگ نداشتند، و هیچ عاملی هم جز آز و هوس غرب نمی توانست داشته باشد. همهء جنایاتی را که تروریست های مربوط به جهان سوم مرتکب می شوند در مقایسه با کشتار، تباهی و قحطی آن دو جنگ که اروپایی ها سبب آن بودند، بسی اندک است.

اما این غرب حالا در شرف یکباره کشاندن کرهء زمین به هولناکترین فاجعه است، فاجعه یی که این سیاره در درازنای تاریخ از آغاز تکوینش تا حال آن را به چشم ندیده است. منظورم از آن ـ طبعا ـ آلودگی محیط زیست و گرمای بی سابقهء کره زمین است که عوارض و تأثیرات آن بسیار هولناک و مصیبت بار است. مصیبتی که همهء دار و ندار زندگی را می بلعد و به کام نیستی فرو می برد.

ایالات متحدهء امریکا در قدم اول مقصر اصلی ا ین تراژدی به حساب می آید. این کشور تا کنون هر گونه پیوند افزایش گرمای زمین و آلودگی محیط زیست را با کاربن متفی دانسته، و با هر گونه اقدامات در جهت کاستن از کار برد مواد کاربونی به مقابله بر خاسته است.

گزارشی علمی که اخیراً در بریتانیا زیر عنوان گزارش "ستیرن" به نشر رسید چنین می رساند: هرگاه دمای کرهء زمین به میزان دو درجهء سانتیگراد گرمتر شود، چهار بیلیون انسان با کمبودی آب مواجه می گردند و دوصد میلیون انسان بی سرپناه می شوند. در نتیجه دوصد میلیون انسان به قحطی دچار می گردند و شصت میلیون انسان در افریقا به ملاریا مصاب می گردند. و همچنان حاصلات زراعتی به تناسب ۳۵٪ در خاور میانه و افریقا کاهش می یابد.

همهء این عوارض و اثرات هنگامی است که زمین به اندازهء دو درجه گرمتر گردد؛ در حالی که پیشبینی های علمی بیانگر آن است که درجهٔ حرارت تا پایان این قرن تا شش درجه با لا می رود.

پس چه کسی مسؤول این همه دگرگونی هاست؟ دگرگونی و تغیراتی که این سیاره از آغاز پیدایشش هرگز سراغ نداشته است. پس مقصر همان کشورهایی صنعتی هستند که با افزایش تولید به منظور کسب سود و افراط در مصرف گرایی، آلودگی و کثافاتی را که ناشی از استفادهء بی رویهء سوخت های فوسیلی است، در این سیاره فراهم نموده اند و با ایجاد گازهای کاربن دای اوکساید فاجعهء هولناکی را فرا راه بشریت قرار داده اند!

این ها همه پیوند به نظام سرمایه داری دارد، نظامی مبتنی بر بالا بردن سطح تولید، حرص ثروت اندوزی و مصرف گرایی. از همین رو، همهء کشورها از افزایش سطح تولید خویش افتخار می نمایند و هیچ کس برای کاهش تولید و مصرف جهت کاستن از تهدید علیه محیط زیست برنامه یی را تهیه نکرده است.

قناعت، فضیلتی است که نظام سرمایه داری منکر آن بوده و از آن سخت در وحشت است. جای تعجب نیست که می شنویم جورج بوش و محافظه کاران جدید و اکثر قدرتمندان جهان مسألهء محیط زیست را نادیده می گیرند. چون آنچه برای ایشان مهم است آن است که تولید نمایند و بفروشند و بعد هم بکوشند تا مشتری را قانع نمایند تا آنچه را که پیشتر خریده است دور بیندازد و در عوض چیزی جدید خریداری نماید و در پایان سال، همهٔ افتخارات و مباهات سردمداران این نظام ها، بلند رفتن سطح تولید و در آمدهاست اما آیندهٔ این کرهء خاکی، بگذار هر چه بادا باد!

ایالات متحدهء امریکا، به تنهایی ۳۶ در صد گازهای گلخانه یی را تولید و عامل اصلی آلودگی و گرمای زمین به حساب می آید. حالا، دانشمندان و مسؤولاّن در غرب در پی جستجوی راه هایی اند که فکر می کنند به وسیلهء آن از اندازهء تولید گازهای گلخانه یی می کاهند؛ بدین گونه مردم را به استفاده از موترهای کوچک، دوچرخه، استفاده از باد در تولید انرژی، تولید دوره یی زباله و همانند آن تشویق می نمایند.

به نظرم همهء این شیوه ها راه حل اساسی نیست. ریشهء اصلی فاجعه، نهفته در کنه فلسفهء نظام سرمایه داری است که مبتنی است بر آز و طمع، ثروت اندوزی و مصرف گرایی!!

به مناسبت میلاد با سعادت پیامبر اسلام

محمد

نوری که همیشه خواهد درخشید

عبدالمعین شاهد



دنیا آن روزها در تاریکی های جهل و خرافات فرو رفته و بت پرستی، استبداد و وحشی گری هرجا دامن گسترده بود. بنا بر منفعت جویی های شخصی، نادانی و خود پرستی اشخاص وگروه ها، برآموزه ها و ارزش های راستین ادیان آسمانی مانند یهودیت و مسیحیت گرد فراموشی و تحریف نشسته بود. ایستایی، نازایی و فرسودگی دامنگیر تمدن های بزرگ مصر و چین و هند و ایران و یونان گردیده بود، چرخ های این تمدن ها از حرکت باز مانده بود، صدها سال بود که تمدن مصر اهرامی نساخته بود، برج های کنگره های دیوار چین در حالت فرو ریختن بود و در آتن کسی ازآثار فلسفی و نظریات ارسطو و سقراط و افلاطون دیگر سر در نمی آورد.

امپراتوری های فارس و روم در همسایگی جزیره العرب رو در روی هم قرار داشتند، اما به رغم زرق و برق ساختاری رخوت و فرسوگی در نهاد آنها ریشه دوانیده بود.

در سرزمین برخاستگاه اسلام، قبایل عرب، به شکل گله وار در جنگ و ستیز با یکدیگر قرار داشتند و دستبردها و شبیخون ها و غنیمت گرفتن زنان و دختران و شتران قبیلهء رقیب کار آنها بود. در چنین روزگاری در دهکدهء مکه در جوار عبادتگهی که ابراهیم و اسماعیل هزاران سال قبل بنا نهاده بودند کودکی چشم به جهان گشود، او محمد بود.

محمد با سایر کودکان آن جامعه، کردار و رفتار متفاوت داشت اما کسی نمی دانست که خداوند او را برای رساندن پیام های خویش به بشریت برگزیده است. بعد از گذشت چهل سال از عمر گرامی وی، روزی از کوه نور پایین شد و به مردم اعلان کرد که او پیام آور خداوند است. آری او جبرئیل، پیک وحی را دیده بود که برایش می گفت: "بخوان ای محمد، بخوان به نام پروردگارت آن که بیافرید، انسان را از خون بسته بیافرید، بخوان و پروردگارت کریم ترین است، آن که به واسطهء قلم آموزاند، انسان را آموزاند آنچه را که نمی دانست."

این نخستین پیام های خداوند بود که به پیامبرش فرستاد، واژه های این پیام در آن جامعه آشنا نبود، خواندن، آموزش، قلم. نظام ارزشی آن جامعه با واژه های جنگ، شمشیر و زور شکل می یافت.

خواندن، آموزش و قلم یعنی، تفکر، بیان وآگاهی، ابزارها و درحقیقت سلاح دین محمد بود. دشمنانش شمشیر و زور در دست داشتند و از این سلاح ها استفاده می نمودند. مشرکان دست به شکنجه می زدند، مسلمانان در زیر شکنجه آسیب های جسمی می دیدند، مجروح می شدند و می مردند، عدهء دیگر به زندان افگنده یا تبعید می شدند اما، پیامبر سیاست مدارا و پرهیز از جنگ را به مسلمانان توصیه می کرد، این دستور خداوند بود. مسلمانان تنها می

اولین پیروزی پیامبر تسخیر مدینه بود، این تسخیر نه با زور و استفاده از سلاح بلکه به واسطهء مذاکرات دوامدار که حد اقل دو سال ادامه داشت صورت گرفت. چنین پیروزیی نصیب پیامبر شد، در این فتح یک قطره خون نریخت و کسی آسیب مالی هم ندید. پیامبر در روشنی پیام های پروردگارش میثاق مدینه را منتشر نمود، آنچه که در جامعهء عرب بی سابقه بود، طبق این میثاق پیروان ادیان دیگر عمدتا یهودیان می توانستند در دولت نوپای اسلامی دارای حقوق و وجایب همسان با مسلمانان داشته باشند.

توانستند با آیات و با بیان و دعوت با مشرکان مقابله کنند، اما سرانجام سلاح مسلمانان در برابر سلاح مشرکان پیروز شد تعداد زیاد مردم مکه و سایر مناطق به دین اسلام گرویدند و روز تا روز شمار آنان افزایش می یافت. اولین پیروزی پیامبر تسخیر مدینه بود، این تسخیر نه با زور و استفاده از سلاح بلکه به واسطهء مذاکرات دوامدار که حد اقل دو سال ادامه داشت صورت گرفت. چنین پیروزیی نصیبْ پیامبر شد، در این فتح یک قطره خون نریخت و کسی آسیب مالی ندید. پیامبر در روشنی پیام های پروردگارش میثاق مدینه را منتشر نمود، آنچه که در جامعهء عرب بی سابقه بود، طبق این میثاق پیروان ادیان دیگر عمدتا یهودیان می توانستند در دولت نوپای اسلامی دارای حقوق و وجایب همسان با مسلمانان داشته باشند.

اما زمانی فرارسید که سیاست مدارا و اجتناب از جنگ دیگر نمی توانست ادامه یابد، مشرکان با لشکرها و نیروهای جنگی بر مدینه هجوم آورده بودند و دولت مسلمانان تحت تهدید جدی قرارگرفت، این جا باید مسلمانان جهت دفاع از دولت مدینه، دفاع از جان و مال و فرزندان خویش دست به سلاح می بردند، خداوند به مسلمانان اجازه داد به سلاح متوسل گردند. از آن پس جنگ های نسبتاً خونینی میان مسلمانان و مشرکان واقع شد که مهمترین آنها جنگ بدر، جنگ احد، جنگ خندق یا احزاب بود، همهء این جنگ ها در مدینه و حومهء آن در گرفت، شهر پیامبر، مرکز دولت مسلمانان مورد هجوم و تجاوز واقع شده بود.

مهمترین جنگ تهاجمی پیامبر فتح مکه بود، تصرف پایتخت سیاسی و فرهنگی مشرکان عرب، شهری که تا آن زمان رهبری مقاومت و دشمنی علیه دین اسلام را به عهده داشت، برخی می پنداشتند باید پیامبر این شهر را به شدت تنبیه می کرد، اما نه، پیامبر برای انتقام، برای جنگ، برای سرکوب و برای نابودی دشمن برانگیخته نشده بود، رسالت او خیر و سعادت انسانها بود، برای صلح وگذشت و دوست داشتن آمده بود. و بسیار بیم داشت که کسی دست به خون ریزی، غنیمت گیری، سرکوب و ظلم نزند، تدابیر شدید بود تا جنگی واقع نشود، یک راه پیمایی عظیم از پیروان خویش

آری در نتیجهء چنین سیاست های آسمانی دین اسلام بود که، همهء قبایل عرب های بیابانگرد در زیر سایهء پرچم اسلام یکبار چه شدند، و آموزه ها و ارزش های این دین را به اکثر نقاط جهان آن روز رساندند.

را از مدینه تا مکه سازمان داده بود، تا با دیدن این امواج خروشان مؤمنان، مشرکان دست از سلاح بردارند و تسلیم شوند. به مردم اعلان نمود هر کس هراسی دارد به کعبه برود، یا به خانهء ابوسفیان پناه ببرد و یا در داخل خانهء خویش بنشیند.

به پیروان و یاران خویش امر نمود تا از وقوع درگیری جلوگیری نمایند. در این روز سعد فرمانده مسلمانان می گفت امروز روز جنگ است و ما هرچه بخواهیم در برابر مکه و مردم آن انجام می دهیم، پیامبر از این سخن ناراحت شد واو را برکنار نمود و فرمود امروز روز گذشت است.

آری در نتیجهء چنین سیاست های آسمانی دین اسلام بود که، همهء قبایل عرب بیابانگرد در زیر سایهء پرچم اسلام یک پارچه شدند، و آموزه ها و ارزش های این دین را به اکثر نقاط جهان آن روز رساندند.

اسلام تلاش زیاد نمود تا فرهنگ جنگ و خشونت را از میان عرب ها که آن زمان یگانه سر زمین اسلام بود ریشه کن نماید. در آخرین حجی که پیامبر در سال دهم هجرت انجام داد حدود صد هزار نفر در یک جا جمع شده بودند و بزرگترین همایش، در تاریخ جزیرهٔ العرب به شمار می رفت. پیامبر مهمترین پیام های خود را در آن روز بیان نمود. او حرمت و احترام نمادینی را که این روز در میان عرب ها داشت ذکر کرد و گفت ای مردم ریختن خون یکدیگر تان مانند حرمت امروز حرام است، تجاوز بردارایی و ملکیت یکدیگر تان مانند حرمت امروز حرام است. و تجاوز بر شرف و شخصیت یکدیگر تان مانند امروز حرام است. ای مردم در مورد رفتار با زنان از خداوند بترسید، بهترین شما آن است که رفتار پسندیده با همسرش داشته باشد. ای مردم به دساتیر و تعلیمات دین در زندگی تان عمل نمایید.

همهء جزیره العرب در زیر پرچم یکتاپرستی اسلام فراهم شده بودند و نظام و قانون مداری را که اسلام به ارمغان آورده بود پذیرفتند، پیامبر پیش ازآن که به دیدار معبود خویش بشتابد ثمرهء دعوت اسلام را مشاهده نمود و با قلب آگنده از رضا و اشتیاق صف یاران خویش را ترک نمود و به سوی آسمان ها پروازکرد.

درود و صلوات بی پایان بر او و آل و یارانش باد.

اعلان رسمی فعالیت جبههء ملی ...

آقای کاظمی در پاسخ به این سؤال خبرنگار رادیوی آزادی که استاد برهان الدین ربانی رئیس جبههء ملی در سخنرانی اش از نظم نوین سیاسی نام برد، مراد از این نظم نوین سیاسی چیست؟ گفت: مراد از نظم نوین برهم زدن نظام سیاسی دولت نیست بلکه مراد از آن به پیش تاختن و مقابله با چلینج هاست، چلینج هایی که تنها برای جبهه مطرح نیست بلکه برای همهء ملت افغانستان و دولت افغانستان مطرح است، جبههء ملی به عنوان یک بازوی دولت در کنار آن قرار گرفته با این چلینج ها مقابله می کند. این خود یک نظم سیاسی نوین است.

او در پاسخ به این سؤال که دلیل جمع شدن احزاب مختلف در این جبهه چیست، گفت: ما پس از سی سال جنگ و بحران استخوان شکن و بالآخره تجربه یی که در طی شش سال گذشته به دست آورده ایم به این نتیجه رسیدیم که با هم در تفاهم باشیم و همکاری کنیم.

پس باید بدانید که شیوهء جبههء ملی این نیست که بگوید یا با ما هستی یا برضد ما هستی. این شیوهء شکل گیری یک جامعه و یک جریان سیاسی نیست بلکه این شیوهء تلخ ملت ها و مردم افغانستان است.

او همچنان در پاسخ به این سؤال دیگر گفت که تغییر نظام ریاستی به نظام پارلمانی و انتخابی کردن والیان از اهداف جبههء ملی است که جبهه در جهت تحقق آن از مجرای قانونی طبق مادهء ۱۴۹ و ۱۵۰ قانون اساسی تلاش خواهد کرد.

جبههء ملی دارای سه شوری است، شورای رهبری و شورای اجرایی و شورای عالی. شورای عالی که عالی ترین مرجع تصمیم گیری در آن است از شورای رهبری و شورای اجرایی تشکیل شده است.

تا کنون شورای رهبری تشکیل شده است. و اعضای آن معرفی شدند. اما اعضای شورای اجرایی آن تا هنوز به گونهء درست مشخص نشده اند.

تا کنون غیر از رئیس جبهه کسانی به عنوان اعضای شورای رهبری معرفی شده اند از این قرار اند:

مارشال فهیم، محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان، مصطفی ظاهر، امیر اسماعیل خان و سید مصطفی کاظمی و استاد اکبری و قاضی محمد امین وقاد و جنرال عبدالرشید دوستم و نور الحق علومی و سید محمد گلاب زوی و سید منصور نادری و محمد نعیم فراهی و تاج محمد وردک و فضل الکریم ایماق و امیر لالی و حمید الله توخی و حبیب جان و محمد شاکر کارگر و محمد صدیق چکری و خدایداد سرمچار و شاه مردان قل و جار الله منصوری و شینواری و صادق زاده و ضامن علی و جنرال هلال الدین هلال و سید نور الله و مجاهد و آمر بسمل خان.

اما توسط آقای فراهی تأکید شد که اعلام این افراد به عنوان اعضای شورای رهبری به معنی بستن دروازهء آن نیست بلکه جای گروه ها و شخصیت هایی که تازه به جبهه می پیوندند در شورای رهبری محفوظ است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه‌خدا از عالي‌ترين آرزوهاي‌ملت

دور هشتم سال ششم شمارهٔ یکم شنبه ۱۸ حمل ۱۳۸۵ ۱۹ ربیع الأول ۱۴۲۶ - April 07 , 2007

دو شهروند فرانسه و دو همکار افغانی آنها به اسارت طالبان در آمدند

طالبان اعلان نمودند دو نفر تبعهء کشور فرانسه و دو نفر همکار افغان آنها را به اسارت در آوردند، یک سخنگوی دولت در ولایت نیمروز گفته است دو نفر فرانسوی که از چهار سال بدین سو در ولایت نیمروزدر یک مؤسسهء امداد رسانی به نام سرزمین کودک فعالیت می کردند با سه همکار افغانی شان ناپدید گردیدند آنها از ولایت نیمروز به سوی هرات سفر می کردند.

این دومین گروگان گیری خارجیان در ظرف دو ماه از سوی گروه طالبان است. چندی پیش یک خبرنگار ایتالیایی که در اسارت طالبان به سر می برد با پنج تن از افراد بلند پایهء این گروه که در توقیف دولت قرار داشتند، مبادله گردیدند. این اقدام دولت در سطح وسیعی در مطبوعات امریکا و کشورهای اروپایی مورد انتقاد قرار گرفت. اکثر صاحبنظران پیش بینی می نمودند که آزادی رهبران طالبان در مقابل خبرنگار ایتالیایی جان خارجیان و کارمندان مؤسسات خارجی در افغانستان را با خطر رو به رو ساخته و طالبان از گروگان گیری به عنوان وسیله جهت رهایی زندانیان خویش و گرفتن امتیاز از دولت و کشورهای خارجی استفاده خواهند کرد آنچه که امروز با گروگان گیری فرانسویان اتفاق افتید.

فرانسویان ربوده شده در طول چهار سال گذشته بدون آن که گروگان گرفته شوند در مناطق جنوب افغانستان فعالیت داشتند. از جانب دیگر دولت افغانستان که در گذشته از کشور پاکستان مطالبهء دستگیری رهبران طالبان و تسلیمی آنها به افغانستان را مطرح می نمود، در آینده نمی تواند چنین درخواستی را از پاکستان داشته باشد، چون حد اقل دو نفر از بلند پایه ترین طالبان رها شده که یاسر و لطیف الله حکیمی سخنگوی سابق طالبان می باشند از سوی پاکستان دستگیر و تسلیم دولت افغانستان شده بود. پاکستان می تواند استدلال نماید که اگر طالبان را دستگیر و تسلیم دولت افغانستان نماید، در آنجا رها خواهند شد.

عمرو موسی رئیس اتحادیهء عرب:

اسرائیل خواهان صلح مجانی است

عمرو موسی دبیر کل اتحادیهء عرب در واکنش به پیشنهاد نخست وزیر اسرائیل برای برگزاری نشست مشترک میان مقام های اسرائیلی و کشورهای عربی گفت: تل ایبب در صدد عادی سازی مجانی روابط خود با جهان عرب است.

ایهود المرت یکشنبه ۱۲ حمل اعلام کرد اسرائیل آماده است در کنفرانسی با حضور سران کشورهای میانه رو عربی طرح اتحادیهء عرب را مورد بررسی قرار دهد.

در اجلاس اتحادیهء عرب که در ۸ و ۹ حمل در ریاض پایتخت عربستان سعودی برگزار گردیده بود طرح صلح اعراب با اسرائیل را مجدداً مورد تأیید قرار داد. این طرح از طرف ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی در اجلاس ۲۰۰۲ جامعهء عرب در بیروت اعلام گردیده بود. بر اساس این طرح که صلح در برابر زمین نام گذاری شده است، کشورهای عربی آمادگی خویش را جهت به رسمیت شناختن اسرائیل و عادی سازی روابط با این کشور در صورت تشکیل دولت مستقل فلسطین ابراز نموده بودند. بر طبق این طرح اسرائیل باید از سرزمین های اشغالی فلسطین خارج شده و امکان بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین های اصلی شان را مساعد گرداند.

اما اسرائیل همیشه با بازگشت مهاجرین فلسطینی مخالفت نموده است. طوری که عکس العمل اسرائیل نشان می دهد امکانات موفقیت طرح جامعهء عرب چشم انداز موفقیت آمیزی را نشان نمی دهد.

د اندونیزیا ولسمشر:

عراقي ديني مشران دې د سولې لاره ولټوي

د اندونیزیا ولسمشر "سوسیلیو بامبنګ بودویونو" په یوې اسلامي جوړې شوې غونډې کې له ناستو شلوتنو دیني مشرانو څخه وغوښتل، چې په عراق کې د سولې د راتلو لپاره لارې چارې ولټوي.

د فرانسي د خبري اژانس په وینا، نوموړي چې د هغه هېواد په "بوګور" ښارکې د عراق په اړه یوې رابلل شوي غونډې ته پرانستې وینا کوله وویل: "دلته مونږ د سولې لپاره راټول شوي یو په دې هیله، چې د افکار او تجاربو د تبادلې له لارې نه، پر یوې لارې برلاسي شول چې د عراق کړکیچ پای ته ورسیږي. او په دې مساله کې د عراق دیني مشران مهمه ونډه لرلای شي؛ ځکه د خپل تړولنیز او دیني موقعیت له امله عراقیانوته د منلو وړ دي.

دا غونډه د اندونیزیا د دولت او دوو ستر اسلامي ګوندونو "محمدیه" او د "علماوو د غورځنګ" له خوا جوړه شوې ده، او باید وویل چې وروستي ګوند په اندونیزیا کې څلویښت میلیونه غړي لري، چې په هغه هېواد کې تر ټولو ستر ګوند دی.

رویټر د اندونیزیا د ولسمشر له خولې لیکي: چې په عراق کې دې له ملي پخلاینې نه وروسته د اسلامي هېوادونو یو پوځي ځواک جوړ شي او د اوسني نظامي ائتلاف ځاناستی دې شي. په دې غونډه کې شلو دیني عالمانو ګډون درلود برخه لرله او هغه زیاته کړه چې اوسنیو کړکیچنو حالاتو په عراق کې دسني او شیعه و ترمنځ دیني زغم، متقابل احترام له منځه وړي او پر دې دواړو اسلامي مذاهبو طبیعي اړیکي واکمني نه دي.

گزارش دهی مقامات و مسؤولین دولت به ملت ادامه دارد

گزارش دهی مقامات و مسؤولین دولت به ملت که سال گذشته صورت گرفت، امسال نیز آغاز گردیده و ادامه یافته است. در این گزارش دهی خبرنگاران سؤالاتی را در زمینهء دستاوردهای دولت و ارگان های آن از وزرا و مسؤولین ادارات مطرح می نمایند.

در پاسخ وزرا کارکردها و دست آوردهای خویش را بیان نموده موفقیت های خویش را تشریح می نمایند. در این گزارش دهی وزرا و مسؤولان تلاش می نمایند کمبود ها و نارسایی کار خویش را به عوامل خارج از وزارت و ادارهء خویش مربوط سازند و مسؤولیت را از شانهء خویش رفع نمایند. طوری که دیده می شود این گزارش دهی نتایج مطلوبی به بار نیاورده است، تا هنوز هیچ وزارت و یا وزیری به علت دستاوردهایش مورد تقدیر قرار نگرفته و هیچ یکی از آنها به علت ناکارگی و یا سؤ مدیریت مورد تذکر و یا تنبیه واقع نشده است.

این گزارش دهی در حد مطلوبی در زمینهء اطلاع رسانی نیز تأثیری به جا نگذاشته و جز تعداد اندکی اکثریت مردم از آن اطلاعی ندارند.

بحران توقیف ملوانان انگلیسی در ایران پایان یافت



پانزده تن از نظامیان بریتانیایی که از سوی سپاه پاسداران ایران در آب های خلیج فارس دست گیر گردیده بودند، به تاریخ ۱۵ حمل رها شدند، در زمینهء دستگیری این نظامیان اظهارات مختلفی از سوی دو کشور عنوان شده است.

انگلیسی ها ادعا نمودند که این نظامیان در آب های عراق از سوی عساکر ایرانی بازداشت شدند اما طبق ادعای مقامات ایران بریتانیایی ها در آب های ایران دستگیر شدند.

در مصاحبه یی مطبوعاتی که آقای احمدی نژاد رئیس جمهور ایران در مراسم آزادی این نظامیان داشت، آزادی آنها را هدیه یی از سوی ملت ایران به ملت انگلیس خواند و افزود ما بدون هیچ نوع امتیاز خواهی و سیاست بازی نیروهای انگلیسی را آزاد نمودیم.

احمدی نژاد در این سخنرانی از حضور نیروهای انلگیسی در عراق و خلیج فارس انتقاد نمود و اظهار داشت مردم انگلیس حق دارند بپرسند که نیروهای شان در عراق و خلیج فارس چه می کنند.

در عوض تونی بلیر با استقبال از اقدام رهایی نیروهای کشورش از سوی ایران، در سخنانش از ملت ایران اظهار سپاس نمود و از افتخارات تاریخی ایران تمجید کرد. بلیر اظهار امیدواری نمود که بتواند اختلافات کشورش با ایران را از طریق مسالمت آمیز حل نماید.

دستگیری نظامیان بریتانیایی از سوی ایران که دوازده روز ادامه یافت به یک بحران در روابط دو کشور تبدیل گردیده بود. در شرایطی که امریکا و انگلیس در صدد وارد نمودن فشار بیشتر بر ایران به سبب برنامهء هسته یی آن کشورند، می توانست ادامهء توقیف سربازان بریتانیایی وضعیت را بیشتر بحرانی نماید.

برخی گمان دارند، عساکر بریتانیایی بر اساس یک معامله رها گردیدند، پنج تن از دپلومات های ایران از چندی بدین سو در توقیف نیروهای امریکایی در عراق به سر می برند احتمالاً ایران در مقابل رهایی نیروهای بریتانیایی خواستار رهایی اتباع خویش شده باشد که در توقیف نیروهای امریکایی قرار دارند. اما تونی بلیر نخست وزیر انگلیس هرگونه خبر معامله با ایران را رد نمود و گفت به ایران هیچ امتیازی داده نشده است.

در مجاهد اشتراک ورزید

مجاهد در سال ۱۳۸٦ خورشیدی مشترک می پذیرد.

بهای اشتراک سالانه:

در مرکز: ۲۰۰

در ولایات: ٤۰۰

در خارج از کشور: ۲۰۰ دلار امریکایی

سفارتخانه ها و مؤسسات خارجی ۱۰۰ دلار امریکایی

علاقمندان می توانند به ادارهء مجاهد تماس بگیرند.

د سارک په سر مشریزه کې ګډون ...

غږېتوب، د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت لپاره ستر سیاسي او اقتصادي بریا ګڼل کېږي، او کیداې شي چې پاکستان د خپلې سوداګریزو ګټو له امله، په افغانستان د ثبات راوستو لپاره وهڅیږي. ولسمشر زیاته کړه: "سارک ورځ تر ورځې انرژي ته اړتیا لري؛ نو ځکه غواړو، چې د ترکمنستان، افغانستان، پاکستان او هند د غاز د نللیکې جوړونې چارې دې ژر پیل شي، او په افغانستان کې چې د لویو لارو د جوړولو کار پیل شوي؛ نو دې کار د منځنۍ اسیا، فارس خلیج او هند سمندر ترمنځ د پخوانیو لارو پر تله ۳۲ ساعته لاره نږدې کړې ده، چې منځنۍ اسیا به له جنوبي اسیا او لرې ختیځ به منځنۍ ختیځ سره ونښلوي. ده زیاته کړه، چې ۱۳۸۰ لراهیسې زمونږ راکړه ورکړه له ایران، هند، پاکستان، چین او ترکیې سره څو برابره شوې دي. او مونږ هیله من یو چې د "جنوبي اسیا د ازادې سوداګرۍ تړون" دې ژر پلي شي" چې له امله به یې د غړیو هېوادونو تر منځ راکړه ورکړه اسانه او پانګونې به په کې ډېرې شي.